

وقف خانہ سید اعظم قم نیر فرخوم حاج محمد حسن

مرحوم دین گدیزی فرزند مرحوم ابوالحسن در طلب

علم استغاثہ مایہ

۴۹۳، ۲۴

۴۷۴۵۲



ادرس

شماره قفسه:	۳۰
شماره کتاب:	۳۱۲۱
تاریخ ثبت:	۷۸/۹/۱۵
شماره مسلسل:	

کتابخانه مسجد اعظم قم

پہلے

طالع حمل بیوی نزد سلیمان آمد سلام کرد ایستاد سلیمان فرمود
ایمعاون نام تو چیست و ماوی تو کجاست و بنی آدم را چگونه مضرت
میرسانا گفت یا پسر بنام من جابر بن است و پادشاه پسر بام و مقام من
در سر چهار راه و لب جویها و در زیر درختان باشد و هر که بدین
طالع باشد روز شنبه پراشت بپوشانم و نشان آذین اندک افشاند
شود و سخن کسی نشنود و در خواب بپهوده گوید جواب کسی ندهد و
رنک وی سرخ شود و بیمار گردد و زانرا شود و فریاد کند در دسرت و لایح
پیدا یابد و حرارت وی زیاد گردد و خواب کم کند و اگر کودکی باشد
چشم بد زبان بد سپید است و از میاسیان رنگ او را فرو دم نشان
ان باشد که در وی شر باشد و اگر همدان نکند چهل روز توبه کرد
و مودت و کرمه با سر ملائینان ببرد امن بسوزاند و دیگر این دعا
بنویسد یا خود دارد شفا یا یما فتم بسم الله الرحمن الرحیم یا معشر
الجن و الاشرار اناس طعمتم ان تنفذ و امن اقطار السموات و الارض
فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان الله و احفظه صاحب الکتاب

۱۰۰

[illegible]

پہلی

منع من نفس خود را از این کار بیابا

۵۱

[illegible][illegible]

در بیان ایام منخوسته است

از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که در سال ۲۴ روز از دوازده ماه بخیر است که در آن روزها هر امری شروع شود با تمام نرسد پیرشایسته است در هر امر نظر کند

۱۱	۲۲ محرم	۲۱	صفر
۲	ربیع اول	۴	ربیع الثانی
۱۰	جمادی	۱۳	جمادی ۲
۲۱	رجب	۲۳	شعبان
۵	رمضان	۱۴	شوال
۲۷	ذیقعد	۳۱	ذیحجه

ساعات ایام هفته

تعلق بر حمل دارنده را من روزا حداثت عمارت و ذراعت و سفر و تجارت با اهل محبت کردن و لباس نو پوشیدن و حمام و نکاح کردن خوب است

تعلق بشهر دارد نکاح و الفت کردن با دوستان و عمارت و بیع و شرا و باغ و خانه بنا کردن و سفر بسیار خوب و مبارکت و فرزندی که در اول ساله این روز متولد شود در از عمر نباشد

لبنات

لبنات

تعلق به عمارت و تجارت و سفر و نکاح و بیع و شرا و باغ و خانه بنا کردن و سفر بسیار خوب و مبارکت و فرزندی که در اول ساله این روز متولد شود در از عمر نباشد

تعلق بقمر دارد نیکست پیغام دادن و رسول فرستادن و حاجت و لباس نو بریدن و پوشیدن و ذراعت و ساعت نکاح کردن و عمارت ساختن و غرس نهال خوب است

تعلق به فرج دارد پیغام است تا نیکست فصد حجاست و الذحرب ساختن و پیش بزرگان حاجه خواستن و جامه نو بریدن و پوشیدن تعلق به طار دارد طفل میبکشد فرستادن و مو تراشیدن خوب و غنی است سفر و پیاده و نورو کشیدن و فصد اگر طفلی متولد شود خوب

تعلق به شهر دارد نیکست طلب حاجه و تزویج و سفر رفتن و نورد ملوک رفتن و نو بریدن و پوشیدن و بنای عمارت و باغبانان تعلق به هر دو دارد تزویج و عقد و بیع و شراء کاد و کو سفند است و غیر باغ و حج و لباس نو بریدن و پوشیدن مبارکت محرم فامان

اگر محرم شبیه باشد زمستان سرد برف بخ بپاش طاعون و مرگ کودکان و کندی کران و غسل انکور و بعضی مویه را افش و رسد

لبنات

لبنات

لبنات

لبنات

لبنات

لبنات

تعلق به عمارت و تجارت و سفر و نکاح و بیع و شرا و باغ و خانه بنا کردن و سفر بسیار خوب و مبارکت و فرزندی که در اول ساله این روز متولد شود در از عمر نباشد

ملک از غریبانه و اند نزد قاضی مرد براد دل برسی یا غریب
 این زن پسر زاید که شده بدستاید غایب برودی بدستاید
 شفا یا بد بر دشمن ظفر نایه سفر مرد اینکار برود یا بد خوابیکه
 دیده خیر است یا غریب تجارت کردن خوب است دوست برود
 میرد زن پسر زاید که شده بدستاید غایب بدستاید برودی
 شفا یا بد از دشمن حد و کن سفر مرد اینکار بعد براد ملک
 غریبانه دارد براد دل برسی یا غریب این دوست بدو
 میرد غایب برودی بدستاید شفا یا بد از دشمن حد و کن اینکار
 برودی براد در این سفر صبر کن از خانه بهائی مرد ملک از غریب براد
 دل برسی یا غریب چهار یا غریبانه دارد معشوقه بدو برسد
 زن بسن پسر زاید که شده بدستاید غایب میرسد بیمار شفا
 نماید تجارت مکن بر دشمن ظفر نایه یا خالی چها پانده ندارد
 باز در کافه خوب است معشوقه بدو میرسد غایب اید زن پسر زاید
 کشته بدو میرد بیمار شفا یا بد بر دشمن ظفر نایه یا غریب
 چیز فروش پشیمان شوی تجارت باد نور برودی چها یا غریب
 خوب است معشوقه بدو میرد زن پسر زاید که شده بدو میرد غایب
 برودی بد بیمار شفا یا بد یا مصیوق کذا درین خوب
 است چیزی فروش برودی میرسد چهار یا غریب تجارت مکن در
 بدو میرد زن پسر زاید مال را غریبانه دارد یا غریبانه رج مکن
 در این وقت روزی بدو میرسد چها یا غریب تجارت فائده دارد

این زن پسر زاید که شده بدستاید غایب برودی بدستاید
 شفا یا بد بر دشمن ظفر نایه سفر مرد اینکار برود یا بد خوابیکه
 دیده خیر است یا غریب تجارت کردن خوب است دوست برود
 میرد زن پسر زاید که شده بدستاید غایب بدستاید برودی
 شفا یا بد از دشمن حد و کن سفر مرد اینکار بعد براد ملک
 غریبانه دارد براد دل برسی یا غریب این دوست بدو
 میرد غایب برودی بدستاید شفا یا بد از دشمن حد و کن اینکار
 برودی براد در این سفر صبر کن از خانه بهائی مرد ملک از غریب براد
 دل برسی یا غریب چهار یا غریبانه دارد معشوقه بدو برسد
 زن بسن پسر زاید که شده بدستاید غایب میرسد بیمار شفا
 نماید تجارت مکن بر دشمن ظفر نایه یا خالی چها پانده ندارد
 باز در کافه خوب است معشوقه بدو میرسد غایب اید زن پسر زاید
 کشته بدو میرد بیمار شفا یا بد بر دشمن ظفر نایه یا غریب
 چیز فروش پشیمان شوی تجارت باد نور برودی چها یا غریب
 خوب است معشوقه بدو میرد زن پسر زاید که شده بدو میرد غایب
 برودی بد بیمار شفا یا بد یا مصیوق کذا درین خوب
 است چیزی فروش برودی میرسد چهار یا غریب تجارت مکن در
 بدو میرد زن پسر زاید مال را غریبانه دارد یا غریبانه رج مکن
 در این وقت روزی بدو میرسد چها یا غریب تجارت فائده دارد

معشوقه عاشق بدیگر زن حامله خنر زاید که شده بدو میرسد
 اینکار خوب است یا قضاوت شرک کوهن خوبن لغواه که
 مبارک است تو فیوچ یا به چیزی داری مژد و شر و فرادان
 میرد خنر چهار یا خوب تجارت خوب معشوقه بدیگر
 عاشق زن خنر زاید یا غریب براد دل برسی
 از اینکار حد کن زن مخواه چه را موقوف ساز چیزی که داری
 مفروش روزی بدو میرد چهار یا غریب تجارت مرد معشوقه زاید
 نیست یا زانق از سلطان حد و کن براد دل برسی شرک
 فائده ندارد زن گرفتن بخیل مکن چه بر وفائده دارد تجارت مرد
 یا فتاح زن طلاق دادن خوب را این تجارت سعی کن از سلطان
 فائده بدی براد دل برسی تجارت نفع دارد زن گرفتن صبر کن
 چه برود چیز مفروش روزی برود زن پسر زاید یا غریب
 براد برسی از سلطان فائده بدی تجارت خوب سفر بد چه برود
 چیزی مفروش روزی میرد چهار یا غریبانه دارد یا باسط
 از اینم شادی میرد زن را طلاق مدد عمارت بخیل کن از
 سلطان خوبی بدی براد برسی تجارت خوب چه خوب چیزی
 مفروش روزی میرد یا حافظ از اینم شادی میرد زن طلاق
 ملک عمارت کردن خوب از سلطان عزت بدی براد برسی شرک
 خوب چه برود خرید ملک نفع دارد نزد قاضی مرد البته یا رافع
 خواب بخیل براد دل برسی ملک را غریبانه دارد در

این زن پسر زاید که شده بدستاید غایب برودی بدستاید
 شفا یا بد بر دشمن ظفر نایه سفر مرد اینکار برود یا بد خوابیکه
 دیده خیر است یا غریب تجارت کردن خوب است دوست برود
 میرد زن پسر زاید که شده بدستاید غایب بدستاید برودی
 شفا یا بد از دشمن حد و کن سفر مرد اینکار بعد براد ملک
 غریبانه دارد براد دل برسی یا غریب این دوست بدو
 میرد غایب برودی بدستاید شفا یا بد از دشمن حد و کن اینکار
 برودی براد در این سفر صبر کن از خانه بهائی مرد ملک از غریب براد
 دل برسی یا غریب چهار یا غریبانه دارد معشوقه بدو برسد
 زن بسن پسر زاید که شده بدستاید غایب میرسد بیمار شفا
 نماید تجارت مکن بر دشمن ظفر نایه یا خالی چها پانده ندارد
 باز در کافه خوب است معشوقه بدو میرسد غایب اید زن پسر زاید
 کشته بدو میرد بیمار شفا یا بد بر دشمن ظفر نایه یا غریب
 چیز فروش پشیمان شوی تجارت باد نور برودی چها یا غریب
 خوب است معشوقه بدو میرد زن پسر زاید که شده بدو میرد غایب
 برودی بد بیمار شفا یا بد یا مصیوق کذا درین خوب
 است چیزی فروش برودی میرسد چهار یا غریب تجارت مکن در
 بدو میرد زن پسر زاید مال را غریبانه دارد یا غریبانه رج مکن
 در این وقت روزی بدو میرسد چها یا غریب تجارت فائده دارد

در شرکت سعی کن از سلطان عتبت بینی عمارت کردن خود
ملاقات زن بجهیل مکر از اینکار نفع بینی نزد قاضی مریبند است

اداب مسافر

هرگز نخواهد سفر کند نرس
داشته باشد قل هو الله را
باین طریق بنویسد در نصف
کند نصف اول را با خود نگه
دارد و نصف دیگر را بخاک ارسال
نماید

بسم الله الرحمن الرحيم
قل هو الله احد

الله احد
الله احد
الله احد

الله احد
الله احد
الله احد

الله احد
الله احد
الله احد

الله احد
الله احد
الله احد

الله احد
الله احد
الله احد

الله احد
الله احد
الله احد

حد ثور جوزا سرطان

اسد سنبله میزان عقرب
قوس جدی دلو حوت

محرّم صفر
رجب الاول

الرحمن
جادی الاول

قدس
رجب

یس
رمضان

محمد قدس
ذی قعدة

فتح
صورت مهرناجه

صلى الله عليه وآله
الذى الله

الذى الله
الذى الله

الذى الله
الذى الله

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد
الطاهر المني
الذي لا يخالط
الذي لا يخالط
الذي لا يخالط

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد
الطاهر المني
الذي لا يخالط
الذي لا يخالط
الذي لا يخالط

وکیلدان
عالمجناب بده العلماء فلان
القصدان
بلغده تومان و جود و
عالمجناب فضل الفضا
المنار و مخ
یوم منجشنه شهر فلان

استفولست که هر که هر روز سوره کوثر را تکبیرا و بدین قسم بنویسد
و یا خود دارد و نظریات کند حق تعالی او را از شراب کوثر بر
نماید و در نظر خلق عزیز و محترم باشد و روز او فراخ شود و از
بلاها و بیا و با عثر محفوظ ماند و هرگز تنگی احتیاج نبیند

[illegible]

منقول است که سوره اذا جاء عرا هر که مربع ده در ده بنویسد
و با خود دارد و هر روز نظر کند روشنی چشمش زیاد شود و
در نظر مردم عزیز مگرم باشد و بجز جارد و بغیر نصرت بر گردد

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
 و ما خلل له في قلوبنا الله و ملائكة
 راجعون راجعون
 بسم الله الرحمن الرحيم
 و ما خلل له في قلوبنا الله و ملائكة
 راجعون راجعون

دعای محبت با خود دارد

12 6 2.4 4.5

1 p 14 ap 1 v

۲۱ ۴۸ ۱۴

9 15 16 22

10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24 25 26 27 28 29 30 31 32 33 34 35 36 37 38 39 40 41 42 43 44 45 46 47 48 49 50 51 52 53 54 55 56 57 58 59 60 61 62 63 64 65 66 67 68 69 70 71 72 73 74 75 76 77 78 79 80 81 82 83 84 85 86 87 88 89 90 91 92 93 94 95 96 97 98 99 100 101 102 103 104 105 106 107 108 109 110 111 112 113 114 115 116 117 118 119 120 121 122 123 124 125 126 127 128 129 130 131 132 133 134 135 136 137 138 139 140 141 142 143 144 145 146 147 148 149 150 151 152 153 154 155 156 157 158 159 160 161 162 163 164 165 166 167 168 169 170 171 172 173 174 175 176 177 178 179 180 181 182 183 184 185 186 187 188 189 190 191 192 193 194 195 196 197 198 199 200 201 202 203 204 205 206 207 208 209 210 211 212 213 214 215 216 217 218 219 220 221 222 223 224 225 226 227 228 229 230 231 232 233 234 235 236 237 238 239 240 241 242 243 244 245 246 247 248 249 250 251 252 253 254 255 256 257 258 259 260 261 262 263 264 265 266 267 268 269 270 271 272 273 274 275 276 277 278 279 280 281 282 283 284 285 286 287 288 289 290 291 292 293 294 295 296 297 298 299 300 301 302 303 304 305 306 307 308 309 310 311 312 313 314 315 316 317 318 319 320 321 322 323 324 325 326 327 328 329 330 331 332 333 334 335 336 337 338 339 340 341 342 343 344 345 346 347 348 349 350 351 352 353 354 355 356 357 358 359 360 361 362 363 364 365 366 367 368 369 370 371 372 373 374 375 376 377 378 379 380 381 382 383 384 385 386 387 388 389 390 391 392 393 394 395 396 397 398 399 400 401 402 403 404 405 406 407 408 409 410 411 412 413 414 415 416 417 418 419 420 421 422 423 424 425 426 427 428 429 430 431 432 433 434 435 436 437 438 439 440 441 442 443 444 445 446 447 448 449 450 451 452 453 454 455 456 457 458 459 460 461 462 463 464 465 466 467 468 469 470 471 472 473 474 475 476 477 478 479 480 481 482 483 484 485 486 487 488 489 490 491 492 493 494 495 496 497 498 499 500 501 502 503 504 505 506 507 508 509 510 511 512 513 514 515 516 517 518 519 520 521 522 523 524 525 526 527 528 529 530 531 532 533 534 535 536 537 538 539 540 541 542 543 544 545 546 547 548 549 550 551 552 553 554 555 556 557 558 559 560 561 562 563 564 565 566 567 568 569 570 571 572 573 574 575 576 577 578 579 580 581 582 583 584 585 586 587 588 589 590 591 592 593 594 595 596 597 598 599 600 601 602 603 604 605 606 607 608 609 610 611 612 613 614 615 616 617 618 619 620 621 622 623 624 625 626 627 628 629 630 631 632 633 634 635 636 637 638 639 640 641 642 643 644 645 646 647 648 649 650 651 652 653 654 655 656 657 658 659 660 661 662 663 664 665 666 667 668 669 670 671 672 673 674 675 676 677 678 679 680 681 682 683 684 685 686 687 688 689 690 691 692 693 694 695 696 697 698 699 700 701 702 703 704 705 706 707 708 709 710 711 712 713 714 715 716 717 718 719 720 721 722 723 724 725 726 727 728 729 730 731 732 733 734 735 736 737 738 739 740 741 742 743 744 745 746 747 748 749 750 751 752 753 754 755 756 757 758 759 760 761 762 763 764 765 766 767 768 769 770 771 772 773 774 775 776 777 778 779 780 781 782 783 784 785 786 787 788 789 790 791 792 793 794 795 796 797 798 799 800 801 802 803 804 805 806 807 808 809 810 811 812 813 814 815 816 817 818 819 820 821 822 823 824 825 826 827 828 829 830 831 832 833 834 835 836 837 838 839 840 841 842 843 844 845 846 847 848 849 850 851 852 853 854 855 856 857 858 859 860 861 862 863 864 865 866 867 868 869 870 871 872 873 874 875 876 877 878 879 880 881 882 883 884 885 886 887 888 889 890 891 892 893 894 895 896 897 898 899 900 901 902 903 904 905 906 907 908 909 910 911 912 913 914 915 916 917 918 919 920 921 922 923 924 925 926 927 928 929 930 931 932 933 934 935 936 937 938 939 940 941 942 943 944 945 946 947 948 949 950 951 952 953 954 955 956 957 958 959 960 961 962 963 964 965 966 967 968 969 970 971 972 973 974 975 976 977 978 979 980 981 982 983 984 985 986 987 988 989 990 991 992 993 994 995 996 997 998 999 1000 1001 1002 1003 1004 1005 1006 1007 1008 1009 1010 1011 1012 1013 1014 1015 1016 1017 1018 1019 1020 1021 1022 1023 1024 1025 1026 1027 1028 1029 1030 1031 1032 1033 1034 1035 1036 1037 1038 1039 1040 1041 1042 1043 1044 1

15. 1. 1. 1. 1.

ما فوق
راشك من اين
طاسم والاعين والجن
خواتم من مريدن الاش عظم
دارد وخط و مقود زين رافد الكبر
والنحو سوره خشك بنو سب
يبدلين ايات را لى انضمت كما في
الارض جميعا ما انضمت
ولم يجمع وكان الله
الغيب

اِنَّ عِزَّ عِزِّكُمْ وَمَنْ اِيَا نَ الْخَلْقِ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا
 لَتَسْكُنُوا اِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً اِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ
 لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ وَاذْكُرْ اَنْعَمَ اللهُ عَلَيْكُمْ اِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَالْفَتْ
 بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبَحْتُمْ بِنِعْمَةِ اخْوَانٍ اَوْ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ
 فَاَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللهُ لَكُمْ اِيَا نَهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ عَسَى
 اَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الدِّينِ غَادِيَةً مِنْهُمْ مَوَدَّةً وَاِنَّهُ قَدِيرٌ رَأَى اللهُ
 غُفُورٌ رَحِيمٌ رَأَيْتُ عَلَيْكَ تِجْرَةً مَبْنُوعَةً لِّتُصْنَعَ عَلَى عَيْنِي اِنْ تَبَيَّنَ
 اَخْلَاصُكَ نَقُولُ هَذَا لَكُمْ عَلَى مَنْ يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَا اِلَى اَمْكٍ كِي تَفْرَ
 عَيْنَهَا وَلَا تَحْزَنَ بِحُبُونِهِمْ كَتَبَ اللهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا اَشَدَّ حُبًّا
 وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا اِذْ هُمْ مِنَ الْعَذَابِ اِنْ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا اِنْ
 اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ جِهَةٌ حُبَّتْ وَرَبَّانٍ بِنَدِّ بَسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ
 الرَّحِيمِ لَا تَنْكُرُوا الْيَوْمَ بِقُوَّةٍ عَلَى اَفْوَاهِكُمْ هَذَا الْعِلْمُ الْمُبِينُ
 هَذَا كِتَابُ الْجَنِّ وَالشَّيَاطِينِ لَنْ سَمِعْتُمْ بِكَ لَا يَبْدُو اَخْمُ فَلَمْ

يا من هو نبي
 تحف يا من هو
 ملائكة
 يا من هو من
 يدو شجر
 شرب رعد
 يا من هو من
 الذي كبر يا من
 لكم هفوف
 يا من هو من
 هفوف عني
 يا من طلعت
 للمخيفين يا من
 سلمه واضح
 لمنين يا من
 كبره من كبره

[illegible]

هـ اله عطيح ومعل الف المجهه فلان ابن فلان العظيم في شوا الجبا
 والتلاطين وجميع خلقك الساعه بجهه محبتك ودرستی
 بجهتكم ويحبونه اذله على المؤمنين اعزاه على الكافرين يجاهدون
 بسبيل الله ولا يخافون لومة لائم ذاك فضل الله بسم الله
 الرحمن الرحيم حق حق كذا لك يوحى ليلك الى الذين من قبلك يا
 كعبه ابع باسماء عجب يا اصلايح ما حطاطع يا نهاليج يا عبيد مع
 يا الراسع ما دسا ما صا صا ليع راكك ليع اءاه اءاه اءاه دعا وعا
 مع باط باط دعاى محبت هر كمانيد عازا بنويد با خود دار
 در نزد خلق عزيز و محترم كرد و نزد سلطان مقرب شود بسم الله
 الرحمن الرحيم والقيت عليك عتبة منى وللصنع على عيني اذ تمشى الخلد
 فتقول هل اذ لكم على من يكفله فرجعناك الى امك كي تفر عينها
 ولا تحزن وقلنت نفسا فبقيناك من الغم وقلنت فلونا من
 الناس حب الشهوات من النساء والبنين والقناطر المقطرة
 من الذهب القضيه والخيول المسومة والانعام والحرث واليك

من يدين
من يدين
من يدين
من يدين
من يدين
من يدين
من يدين
من يدين
من يدين
من يدين

حَسْبُكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ وَوَفَّقَ جَيْمٌ رَيْنًا مَا خَلَفَ هَذَا
 بِاطْلَاقٍ وَتِلْكَ حَسْبُ الْبَيْنَانِ اِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ ثُمَّ انْ تَبْلُك
 حَكِيمٌ عَلَيْهِمْ تَذَلُّجَاءُ الْحُودُ ذَهْوًا لِبَاطِلَانِ الْبَاطِلِ كَانَ زَهْوًا
 مَدُونًا لِمَنْ لَقَرْنَا هُوَ شِفَاءٌ وَوَحْدًا لِلْمُؤْمِنِينَ يَا غَارُ كَوْفِي
 وَمَسْلَامًا لِبَرِيهِمْ آوَاذًا مَدَامَ كَيْدًا نَجْمَانَا لِمَنْ الْآخِرِينَ الْفَنَاءُ
 فِي الظُّلُمَاتِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ جَهَانُكَ ١٢ وَلَا تَمْسُكُوا بِمِصْرَ لَكُمْ
 ١٣ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتُخَذُ مِنْ دِينِ اللَّهِ عِلَاقًا يَمْتَحِنُهُمْ كَتَبَ اللَّهُ
 بِالَّذِينَ آمَنُوا شَرًّا لَكُمْ ١٤ وَاللَّهُ يَتُخَذُ مَا جَدِينَهُ
 مَا نُوْضِرُكُمْ إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ١٥ إِنَّ اللَّهَ وَآلَهُ
 زَا جَعُونَ ١٦ يَتُخَذُ مُحَمَّدًا مَصْطَفَى ١٧ يَتُخَذُ جَبْرِيْلَ وَمِيكَائِيْلَ
 وَأِسْرَافِيْلَ وَعِزْرَائِيْلَ ١٨ يَا حَتَّانَ يَا صَنَانَ يَا دِيَانَ يَا بَرَّحَانَ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ١٩ مَضَرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَلَحٌ قَرِيبٌ ٢٠ وَبَشَرٌ
 الْمُؤْمِنِينَ ٢١ يَتُخَذُ الْقُرْآنَ الْحَكِيمَ ٢٢ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ٢٣
 الْقَدَمُ ٢٤ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ٢٥ لَيْسَ كَمِثْلِهِ
 شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ٢٦ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّي لِمَنْ ٢٧ قُلْ
 كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ٢٨ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّي لِمَنْ ٢٩
 قُلْ لِمَنْ يَشَاءُ رُبِّي ثُمَّ يَفْضَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ ٣٠ وَهُوَ الصَّاحِبُ الْعَلِيمُ
 ٣١ قُلْ إِيَّاكُمْ أَنَا هَلِكُفَى اللَّهِ وَمَوْصِيٌّ وَرَحْمَانٌ يُجِبُّ الْكَافِرِينَ
 عَذَابًا لِيُمْ ٣٢ قُلْ إِيَّاكُمْ أَنَا صَبِيحٌ مَا أَذْكُرُ عَذَابًا لِيُمْ ٣٣ قُلْ إِيَّاكُمْ
 الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ٣٤ قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا

[illegible]

۴۷ قل سیرا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبة المکذبین ۴۸
قل من یکتوکم باللیل والنهار ۴۹ قل هل انبئکم بالآخرین اعما
۵۰ قل انما انا بشر مثکم لکن سمعنا ربکم وقل العزة عندنا
یصفون ورسلا مرسلین والحمد لله رب العالمین
فی عیامی مرجأ نرجهه محبت هر که با خود دارد نزد خود
خود عزیز کرد که اگر یکسان است و دانند بیند بیفرار شود و
دارند آیند عاکیه بر او مسلط نشود و از شر جن و انس محفوظ
ماند خواص او زیاد مختصر شد بسم الله الرحمن الرحیم اللهم
انی اعثر خلفک یا مرجأ یا مرشوش یا درمان یا منکاد یا من
سئون یا منقاح یا کر یا ح یا فرقون یا بر خون یا مرجاش یا لیا
یا مکنون یا جوجهها یا مردون یا مرحومان و هو الذی صلح ایاح
وجعل بینهما برزخا وحجرا محجورا یا مرغان کرغان یا مرهون یا فزان
یا مرشان یا سافنون یا مردمان یا حیران یا درمان یا درهون یا
درمانشاد یا درمافان یا قیوم یا مدتس یا ربنا لایله الا الله
یا درهومان یا درشوشان یا درهومان یا درباب یا برهان
یا برلام یا ستون یا درکون یا ریه ال یا جفار و توکل علی الرحمن
فاستند به خیرا یا مردان یا الله و من الله والی الله اللهم الیک
اسلمت نفسی و الیک وجهی و الیک فوضت امری
الیک الحمد و الظهوری فاحفظنی بحفظ الایمان من بین یدی
و من خلفی عن ینی عن شمالی و من فوقی و من تحلی

[illegible]

الحول يا مظهر النجا رب يا مرفضي على بحق هذا الاسم الأعظم
الأكبر ان ترضي لنا حاجتنا كلها هاهاها هو هو هو
مجنون والقلوب وما يطمعون واحفظنا من افات الدنيا
الآخرة انك على كل شيء قدير يا هياث المستغنين اغثنى يا علي
ادركنا من اعدائك برحمتك يا ارحم الراحمين
دعا برکت عیسى مذکور است هر که ایة ان تفرضوا الله قرضا
حسنا از سورة قنابن بنو لیسید و کیسه گذارد برکت یا بد و نیز
در عهد اخر ما شاء الله مضایق این ایة را بنویسد و کیسه گذارد
هرگز خالی نشود و آیت دیگر که در الارض جعلناکم فیها معالیش
قلیلا ما تشکرون ان الله هو الرزاق ذو القوة المتین

قالنامه مرده ان بحروف ابجد حساب نماید

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	ذ
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴

صاحب طالع نام خود و نام مادر خود
و اینجا ابجد صغیر را وارد و در دوازده
دوازده طرح کند و آنچه باقی ماند اگر یک است عمل اگر دو
است ثور بهمین ترتیب برود و دوازده گانه عمل حکما گفته
اند هر یک بطالع حل باشد خوش خلو و خوش طبع در پناه

نشانی یا خالی داشته باشند نشان اقبالست و دولت
خوشحالی بیند و لباس ویران نشاید کارها نا شایسته کند اما
پیشتر شود روز جمعه شب و یونیکو بود و از آب جدا کند
چشم بد و برانقضا رسد انکسره عقیق برای خوب باشد
و خانه مال وی ثور بود خرید و فروخت و یونیکو بود هر چه
تلف کند زود بدست آید رنج و محنت بسپا کشد ستاره
میش را مد بود گذشت بعد از این کار وی نیکو شود اما در
نماز کا علی کند و خواند بیماری وی منبسط باشد و لیکن
که بیماری وی از شرعی و قوا یخ باشد باد کش بخورد مایع شود
و چون خواهد از بلاد این کرد در حوز میانی با خود دارد باد
زبان بند نامش طوطا نامش ثور ثور خانه زهر است باد
و خاک صاحب بیطالع مردی باشد با دولت و عیش و سرگشته
بسپا کند از یکن کارش نیکو شود اما خلاف شرع مرتکب شود
تا اینکه بمرازد دل برسد از چهار پا یان گزند یبار رسد
و لباس بر نشیم وی را نیکو باشد و انکسره فیر و زه خوب چون
شاه نو بیند بر سبزه نگاه کند چرخ پا و زراعت برای وی میسر
باشد با هر که وفا کند جفا بیند دعای کشایش کار بادعای
سیفی یا خود نگاه دارد و دعای محبت را شسته آب را بر سر
بریزد تا کار و کشاده کرد خرید و فروش متاع برای او نفع
درد را خور و زیاد با ثروت شود جوزا برج جوزا خانه

سفید و بوجهد زیم ابر و کشید خوش معطر حرف بدر باره او
زیاد گویند و از سلطان زمان زیانی بوی سد و ظهور بر
دوست میدارد نشانه اقبال او دولت است در روز در میان
دارد از یکر زبان بیند و از یکر فائد بیند سفر کردن بطرف
مغرب منفعت کند اما شهر بسیار دارد دعای پیر مغرب چشم
زخم با خود دارد تا از شر دشمن ایمن شود و روزهای بخت
و در شب و در وقت سبز و سرخ روی ماه بار کست از چهار پاییان کا
و گویند ز فائد بیند سبیل که این طالع مردی باشد خوش
رو و خوش زبان جان را فدا کند و دروغ وی را سازد از این
نفع بیند در نماز کاملی نکند تا در بلا نیفتد و در کار غصه خوش
زود ختم کرد و زود فرو نشیند زود مال پیدا کند زود فدا کند
در بلا نشانی دارد که نشانه دولت است چهار پاییان نماده
طالع نیک است خانه پیک او سوله است از او میراث اندکی
باید و از برادران و خواهران جلالتی بیند و زن بنکاح
آورد از یکی زن زیاد بیند و فرزندان زیاد هم رسد و مراد طالع
و در بسیار کی چون بگذرد بنود سال برسد دعای چشم زخم باز
دارد تا از بلاها محفوظ ماند میران کسیکه با این طالع
باشد ستار خضر است یا آنکه سوخ و سفید است و آبرو
کشید یا آنکه بلند یا لا و خوش خلق و شیرین زبان اگر قمار
کند نفع بیند و در کرم زیاد و اعضا نشان یا خاله دارد نشانه

[illegible]

یا خایه دارد نشانه نیک بختی باشد خواب خود را بکسی نکوید دشمن
 بسپارد دارد ولی ضرر با و نمیشود مانند سائید سفر بسیار کند نفع کلی
 بیند چشمش در مال مردم نیست چند پیر دارد در طالع قران
 بدست آلی چون از این بگذرد بیچاره سال برسد دعا جوشن کبر
 ناد علی یا خود دارد تا از بلا ایمن گردد عقر ب هر که باین
 طالع باشد ستاره زحلست و زحل ستاره یعقوب نبی است
 سفید پوست بلند قامت باشد نرد سلاطین سخن گوید خانه
 انطالع از زنان و فرزندان بهره مند بود و روزی دارد حجامه
 و میانه کو باشد خانه مال وی سنبله باشد مال بسیار است
 و باید از پد و مادر و رز بسیار بوی سدا ما احترام والدین کا
 دارد قران او بسیار کی چون بگذرد بنود سال کی برسد چها پانیا
 بخود فائده بیند دعا نفع پری یا خود دارد از بلا ایمن گردد
 قوسر کسیکه باین طالع باشد ستاره اتوبیت خانه مشربیت
 مردی باشد خوش زبان خوش و فراخ روزی در اول عمر
 بسیار کشد را خورمال راحت و ثروت بکند و اندا و لاوی
 تمام صاحب است و جاشوند سفر دنیا کند نفع یابند از همه
 هاد و رز مند شود از راستی امید ها بیند قران طالع وی
 سال کی چون از این بگذرد صد سال برسد چهار یا زیاد
 خود و دعا یوز جواد و بپوست او نوشته یا خود دارد
 که از بلا ایمن گردد چک کسیکه باین طالع باشد خانه

این طالع را در خانه
 و در سفر بسیار نفع
 دارد و در روزی
 و در فراخ روزی
 و در ثروت بکند
 و در اندا و لاوی
 و در تمام صاحب است
 و در جاشوند سفر
 دنیا کند نفع یابند
 از همه هاد و رز
 مند شود از راستی
 امید ها بیند قران
 طالع وی سال کی
 چون از این بگذرد
 صد سال برسد چهار
 یا زیاد خود و دعا
 یوز جواد و بپوست
 او نوشته یا خود دارد
 که از بلا ایمن گردد
 چک کسیکه باین طالع
 باشد خانه

مردی باشد سخن کوز خوش و زاز دل خود بکسی نکوید در روز
 کاهلی نکند اگر جان خود را فدا کند و پیرانند بر اعضا
 خالی دارد نشانه مال و دولت است عمر خود نیکو و نعت از زمین
 بیند از پنهانها چک کند از زراعت فائده بیند فرزند زیاد
 طالع دارد که هر روز از عمر نداشتند و بار بوع الاوّل حاجت او
 برآورده شود شراکت کردن و پراستازد از والدین و خواهر
 نه بیند و باید غای میر مغربی و کنج العرش یا خود دارد دل
 کسیکه باین طالع باشد ستاره حضرت شملو میباشد بای
 جنوبی مردی باشد با دولت پاکدامن هر چند بزرگتر شود
 کارش بهتر شود اما باید صدقه زیاده دهد و بارها نگیرد
 گیری نماید که دولت در امر پیدا کند و در نماز کاهلی
 سفر زیاد و طالع دارد که از آن سفر فائده زیاد بیند و چها
 پانگاه دارد که منفعت بیند دعا ی حرمنا الیه را باده ی
 عکاشه همراه خود نگاه دارد خوب کسیکه بطالع خوش
 ستاره حضرت موشل نبی است بر سر جبهه آمد بر وجه قلعه
 باشد بلند قامت خوش کلام بوجه دیم کند کون بوجه
 سرخ و سفید و ابرو کشیده و ظریف طبع خوش سخن با مردم
 نیکو کند و عوض خبیث ورا کند از مردی شیخ چم بلند
 قامت حد کند و لا دبهاد و طالع دارد که فرزندان او همه
 اهل سعادت باشند در آخر عمر بوی دشت و عوین

این طالع را در خانه
 و در سفر بسیار نفع
 دارد و در روزی
 و در فراخ روزی
 و در ثروت بکند
 و در اندا و لاوی
 و در تمام صاحب است
 و در جاشوند سفر
 دنیا کند نفع یابند
 از همه هاد و رز
 مند شود از راستی
 امید ها بیند قران
 طالع وی سال کی
 چون از این بگذرد
 صد سال برسد چهار
 یا زیاد خود و دعا
 یوز جواد و بپوست
 او نوشته یا خود دارد
 که از بلا ایمن گردد
 چک کسیکه باین طالع
 باشد خانه

کاه کاه مثل افش از خانه شود ان را ترك نمايد بيماري او
 بيشتر از صفا بود و کاه و عشه پيدا کند از باد پريان است
 دغا ام صبيتا با خود دارد تا شفا يابد و لاد ز يا د بطالع
 دارد انها را افه رسد شوهر کاهي از او سر شود دشمني او را
 جاد و کرده دغا باطل السحر با دغا ما البعد با خر کاه
 دارد که مهر با شود قوس اين طالع ستاره صفور است
 سه جرمه و جدا و خوش صورت و خوش خلق بوجه و دم
 سفيد کونه فراخ و روزي ستم ميتا بالا باريک کمر مشکين مو
 تنک دها را استکور باد و دغ دشمن بايد از خود با کسي نکند
 و کضر کشيد اما حق تعالى عوض زياد خواهد داد زياد
 و دارد زن باشد با شوهر مهر با کند خوف نالمايم زنند نا
 با عزت شود دشمن زياد دارد يکنفر از خوشيان کونه قد
 بد کوفی او را ميکند از ارحل رکند از لاد زياد در طالع دارد
 اگر افه رسد از باد هزا است دغا خطبه دم و زبان بند با
 خود دارد تا اين شود از پد و ماد را ندکی ميراث برد را خو
 هر کارش خوب شود صد زياد بدهد و رخت الوان بپوشد
 جدی خانه مشري و ستاره خواست زنی باشد بلند
 بالا با مروت و سخاوت ميل نلارد کسي نا اميد کند از
 خود با کسي نکويد با هر که وفا کند جفا بيند زنی از هسا ايک
 دشمن است هميشه بد کوفی او را فرزند شوهر مردم ميکند

خاکستر در
 اگر انيور
 باب بخواند
 يان آب غسل
 کند و وضو بکند
 و در کشتن
 بخواند در هر
 رکعت بعد از
 نماز سه بار
 بخواند بعد از
 سلام هر جا
 از خلد بخواند
 و اگر کس
 منقول است
 سوره بقره
 بابتک سبيا
 بخواند

اما در غير ساند با خواهرانش جدائی کند و با شوهر سينه
 از ايد ترك کند و عشه دل پيدا کند و بجهيل با عمل معجون کند
 بخورد دغاي ام صبيتا را با خود نگاه دارد تا از بدها محفوظ ماند
 زنی که بطلع دلوا باشد ستاره مرهم است زنيست
 کسم کون نيکو منظر کار دان در کارها غصه بسيار خورد بهتر
 بروی بسيا گویند در اقل عمر خوش گذراند در آخر عمر قدي
 کسالت بهم رساند زیرا که پريان صدمه بار زده اند دغايير
 مغرب با خود دارد تا صحت يابد در نماز کاهلی نکند از پد
 و ماد و منفعت بيند کاه شوهر با اوستيزه نمايد دغاي محبت با
 خود دارد تا عزت شود هفت فرزند در طالع دارد در هر ماه
 صد فقره اهدا او لا شرا خطرا محفوظ ماند حوت
 زنيکه بد نيظالع باشد زنيست خوش سخن از هسا يکان خوش
 بهتان شنود صبر کند کار او بالا کير و صاحب دلک ابر
 کرد زياده فرزند در طالع دارد يکی از انها صاحب مقام
 و ثروت شود دغاي چشم زخم برای انها بکشد و از دل خود
 کين نکويد در نماز کاهلی نکند بايد و ماد در مهر با کند
 شوهرش چند صبا زحمت کشد اما دلک بسيا بدست
 و در راه خدا صبر کند دغا ناد علی کير با خود دارد
 از خوشيان زنيست کونه فد با او دشمني کند دغاي
 جواد بپوست او خوشتر با خود دارد تا از بدها اين

ان سنگ بان
 بستاند و بپوشد
 خدا را که انيور
 را بر آب بان
 بخواند و بپوشد
 و در کشتن نماز
 بجا آورد در هر
 رکعت بعد از
 نماز سه بار
 بخواند و بپوشد
 و اگر کس
 منقول است
 سوره بقره
 بابتک سبيا
 بخواند

مفید نهه کا و را با حفظ بر شکم مالده چنه نفع دل و در
 دل نافعست شربت عسل چنه مبردی مزاج در دنا و
 خوب صابون با زرب سببا میگوید بر سپردن نهه خوب شود
 سپند را با شرب چو شاند بخورد در دکر نافع دهنه دنیا
 را با قند بخورد نفع شکم را بر طرف کند قلم مرغ را در سر که
 اندازد و سرد و زرد را فتاب نهه نافع شود بر بر سر نهه
 مالده به شود خون موثر مالیده بر بر سر نافع سوخته بجا
 ادوی چنه نازایستادن خون زخم نافع سرکین کا و را با زرد
 کا و بچو شاند بر جاییکه پیکان فستقه گذارد بر بدن ایداکر
 چیزی کزید یا شد سرکین بمالده قلم کز را اگر زیر خاکی کس
 دود کند که بچه در شکم مرده باشد نجات یابد برای بر
 طرف شدن ابله نیلوفر کو بیست بر محل ابله گذارد شکر کا و را
 زانید با مغز خور و من اخل کند بخورد خور و را رفع کند هر که
 خون بزغال بخورد زهر با و کار نکند پیان بریان کرد مدابا
 شکر بخورد با د بیضه را رفع کند قلم پیان را با د رغن بریان
 کرده بر خصیه بنهد پیان سر را با کز بر بدن مالده خارش را
 ببرد چنه سله میوانه کزیده موی همان سله را بسوزاند بر
 زخم مالده مایه خوکوش را زن میو در پیراید خوکوش هر روز
 بخورد ایمن شود اردل خانگی را بریان نموده مرده و زن
 بخورند بعد از جماع حامله کرد در خون کربه سببا با خون خور

والقن العنبر
 انک لکن الکس
 علی کل کس
 تنبیل العنبر
 انک لکن الکس
 قو ما عا انک
 انک لکن الکس
 غافلون لکن
 حق القول علی
 انک لکن الکس
 فی صون انک
 تنبیل العنبر
 انک لکن الکس
 انک لکن الکس
 تنبیل العنبر
 انک لکن الکس

در ساقی خشک کرده در چشم کشد سه لاشود ایضا هر که چشم
 شزد و د کند موشهای افتخانه بکوبند ایضا زهره خور و در
 چشم کشد تاریکی را ببرد آب کوشک خور و من مفید را بخورد
 فغان را بر طرف کند انکه تمام اینها مجرب و خود بخواند

کشف حیات منهای و تسهیل و
 مقال کفعمی من خب غیرها

ما بعد بد آنکه این رساله ایست از کتب معتبره مثل منهای و غیره
 برای هر مرض عالی و دانی ذکر میشود بچند باب مقدمه
 مقدمه در علل زنان از ابو علی سینا نقل شده که از کلام
 حکای یونانست که هرگاه خواهند معلوم نمایند که علل لیفک
 فرزند از مرد است یا از زن چند دانه قلم کد و یا جود زین
 بکارند مرد بر یکی بول کند و زن بر یکی هر کدام سبز نشود
 علل از همان باشد ایضا بر کد و یا جود سبز شد بول کنند
 کدام بر مرد شود علل از او است فاند هر در باب ایمن
 زنان و چند علل که زن دارد از جن و پری که ضرر بر زن میرسد
 ایمن نمیشود که علتهای او را حضرت سلیمان از حکیمان
 جن پرسیدند گفتند یا بنی الله هفت علل است اول آنکه
 در دم زن کوشک زیاد باشد زن یار نکند و زنیکه در دم
 زیاد باشد زنیکه در دم کوشک نکوشا است و زنیکه

انک لکن الکس
 علی کل کس
 تنبیل العنبر
 انک لکن الکس
 قو ما عا انک
 انک لکن الکس
 غافلون لکن
 حق القول علی
 انک لکن الکس
 فی صون انک
 تنبیل العنبر
 انک لکن الکس
 انک لکن الکس
 تنبیل العنبر
 انک لکن الکس

ذو الناحية
ما يؤيد الزمان
منه من زمان
كل من في زمان
مؤتى ولى
سلك انيت
فكبر يد الداد
أحمد لا ينكر
فاقد لك صيف
باب ذك صيف
في قبضتك
عليه في يدك
جل ثناؤك
يا ارحم الراحمين
اللاه اجذب
قلوب فلان
ابن فلان

الكتاب
 المقادير
 الجليل
 احذ من
 رجب
 اعطى
 ابنا
 لا
 رجب
 ان
 الكتاب
 في
 الذين
 بال
 يؤمنون
 وتمام

غالبون نفقنا ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض
صيفاً فالتقى الماء على امر قد قدر ربنا شرح لى صدق وقير
مرى واحلل العترة من لسانى يفقهوا قولى وتركنا بعضهم
يموج فى بعض ونفخ فى الصور فجمعناهم جمعاً كذا لك حلفت
عن فلانة بنت فلان نامذن وشوه بنو سيد لفلاناً نكر
رسول من انفسكم عن نبي عليه اعنتم حريش عليكم بالموصلين
رؤف صميم فان تولوا فقل حسبي الله عليه توكلت و
هوريت لعرش العليم اين ايا ترا كيه كه اودا بسنه باشند
با خود دارد كشوده كرد و در مصيبتا است كه انا نفخا
را تا نصر اعز يا اين ايام بنويد وفجرنا الارض عيول
فالتقى الماء على امر قد قدر وتركنا بعضهم ييموج فى بعض
ونفخ فى الصور فجمعناهم جمعاً وتضرب لنا مثلاً ونضى
خلفه قال من يحبى العظام وهى صميم فل يحبها الله انشا
اول مرة وهو بكل خلق عليم الذى جعل لكم من الشجر الا
نار فاذا انتم منه توقدون و ينجرت به بنويد حتى اذار كما
فى السفينة خرقتها قال اخرقتها لفرق اهلها لفلان حب
شبتا نكرا اللهم انى استملك بحق المكنون بين الكاف
التون ان يحل ذكر فلان ابن فلان على فرج فلانة بنت
فلان بحق كهيعص وجمع حق بحق فل هو الله احد
وهنت لوجه للحي القيوم وقد غاب من حل ظلماء ونوا

أفلس على قدر
مع قدر يا
أساسك يا
هو أكمل مع
مطيعا بحق
من قال الذي
تضع عند
الأب في العلم
ما بين أيديهم
هناك حكمكم
وأنتم من حكمكم
بين الملائكة
المنقذين
قد ينجون
الأيدي في

بسمه با خود را رد گشوده گردد ایضا بر برك زبون
بنویسد و آلت ماء بنینا ها باید و آقا الموسوی^{علیه السلام} الارض
فرشنا ها فتم الما هلدن بر برك دیگر بنویسد زن فرد
جود ایضا در آن کتابست یکباره تخم مرغ و آن را بر بان
گن و پوست بکن و بنویس بر او لحتما ذار کبانی السفینه
خرقتها و برد ویم اوله بر الذین کفرو ان السعوات الارض
کانتار لنا ففتننا ها و جعلنا من الماء کل شیء حیة فلا یؤمنون
و برستم فاستوی علی موته یحب الزراع لیعینط بهم الکفار
و مرد بسمه بر پیش بخورد باز شود و در خواص ایات این
هم وایه را از سوره انفار ذکر کرده از قالوا لا یصبح نالقوم
یؤمنون بنویسد بر آن مرد بند ایضا این آیه را از سوره
بقره بنویسد بر پشت مرد بند کشاده شود مثل الذین یفسقوا
اموالهم نالقولون بسمه ایضا انالضربیحی الموقنا امام مبین
از سوره یس بنویسد بر تخم مرغ پوست کند یا غسل و
روغن کا و امیخته مرد بسمه بخورد باز شود این آیه را از
سوره شوری بر سقا آب ندید باز عفران و کلاب بنویسد
و یا اب یا دان بنویسد مرد بسمه بخورد و من یا ما خلق
السموات والارض تا ما ایشاء قدیر ایضا از سوره نسا
یا ایها الناس قد جاکم برهان من ربکم فاستقیموا باکلا
و زعفران بنویسد در زرد ستار بر پیشانی گذارد کشاده

النهار و
توبع النهار
فمن الليل و
تخرج الجحش
الميت من بين
التي من تحت
وتوزع من تحت
بغير حساب
آمن الزمير
بما أنزل الله
من ربه و
المؤمنون
كل من باق
وكل من
وكل من

غالبون ففقدنا ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض
صوبنا فالتقى الماء على امر قد قدر ونبأ شرح لمصديقي وبيتر
مري واحلله عتقه من لساني يفقهوا قولي وتركنا بعضهم
يموج في بعض ونفخ في الصور فجمعناهم جمعا كذا لك حلتك
عن ثلاثة منب فلان نامذن وشوه بنويد لقد جاءك
رسول من انفسكم عزيزا عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين
رؤوف رحيم فان تولوا فقل حسبى الله عليه توكلت و
هوريت العرش العظيم اين ايات ترا كيه كه او را بسند باشند
با خود دارد كشوده كرد و در مصيبتا است كه انا ففقدنا
را تا نصر عزيزا اين ايات بنويد وفجرنا الارض صوب
فالتقى الماء على امر قد قدر وتركنا بعضهم ييموج في بعض
ونفخ في الصور فجمعناهم جمعا وضرب لنا مثلا ونسي
خلفه قال من يحبي العظام وهي رميم قل يحبيها الله واليها
ارسله وهو بكل خلق عليم الذي جعل لكم من الشجر الا
نارا فاذا انتم منه توقدون ويخبرته بنويد حتى ذاكما
في السفينة خرقتها قال اخرقتها لفرق اهلها لقد جئت
شبيها فكلوا اللهم اني اسئلك بحق المكنون بين الكاف
التون ان يحل ذكر فلان ابن فلان على فرج فلانة منب
فلان بحق كهي عص وجمع حق بحق فل هو الله احد
وهو الوجه للحي القيوم وقد غاب من حل ظلمة ونور

أفك على قدر
شع قدر يا
أسك أسك يا
هو أكيل مع
مطبخا يحق
من فاك الذي
ثيق عند
الابا في قدر
ما بين ايدهم
هناك طيكم
وافهم طيكم
بين الملا فاك
المنق بين
قد بين
الأسك في

بسمه با خود را رد گشوده گردد ایضا بر برگ زیتون
بنویسد و آلتماء بنینا ها باید و آنا الموسون الارض
فرشنا ها فتم الما هدن بر برگ دیگر بنویسد زن فرو
برد ایضا دوان کتابت یکبرسه تخم مرغ و آن را بریان
کن و پوست بکن و بنویس بر اول حتما اذار کبا فی السفینه
خرقها و برد ویم اوله بر اذن من کفر و ان السموات الارض
کانتار لنا ففلقنا ها و جعلنا من الماء کل شیء حی فالا یؤمنون
و برستم فاستوی علی موته یحب الزراع لیغیظ بهم الکفار
و مرد بسمه بر نیل بخورد باز شود و در خواصایات این
وایه را از سوره انفار ذکر کرده از قالوا لا یصبحنا الا
یومنون بنویسد بر آن مرد بندد ایضا این آیه را از سوره
نقره بنویسد بر پشت مرد بندد گشاده شود مثل الذین یقفون
اموالهم فاعلمون بسمه ایضا انا فی حق الموقنا امام مبین
از سوره یس بنویسد بر تخم مرغ پوست کنند با عسل و
روغن کارا و میخندد مرد بسمه بخورد باز شود این آیه را از
سوره شوری بر سقا اب ندیده باز عفران و کلاب بنویسد
و با اب باوان بشوید مرد بسمه بخورد و من یا ایاة خلقی
السموات والارض تاما امشاء قدیر ایضا از سوره نشا
یا ایها الناس قد جاءکم برهان من ربکم فامسقیها باکلا
و زعفران بنویسد در زیر دستار بر پیشانی گذارد گشاد

والنهار
فوق النهار
في الليل
من الجحيم
الميت من
ويزق من قضا
بغير حساب
آمن الزمير
جبا أنزل الليم
من قلوب
المؤمنون
كل من باقه
ومكتمه
وكتب

کرد و اسکر بشوید بخورد هین خاصیت دارد
 در کتاب من لا یضره الفقیه است که این آیات را بر چهار عدد
 تخم مرغ پوست کنده بنویس در بسته بنویس باز شود اول
 فوق الحق و بطل ما کانوا یدعون دیم قال مونی ما جئتم به
 الخیرات الله سیبطله ان الله لا یضلع علی المفسدین سیم
 انما صنعوا کید سیزد لا یفلح الساکر حیث فی جهنم بل
 تغد ف علی الباطل فیدفعه فاذا هو را هو و لکم الویل و ما
 یصنون انما یدعون طارما شک و زعفران بنویسد بسته بخور
 داود کشاده شود بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله الملك
 الجبار لا اله الا الله الملك الغفار لا اله الا الله الملك القهار
 لا اله الا الله الملك الحق المبین محمد رسول الله الصدیق
 الصادق الامین شهادان لا اله الا الله وحد لا شریک
 له الحاد احد بسم الله الحمد لله بسم الله الملك عه بسم
 العزة لله بسم الله التقاد لله بسم الله القوة لله بسم الله کبر
 لله بسم الله و امر بالله یا ذا الجلال و الاکرام و صلی الله
 علی محمد و آله جمعه است و وضع حمل از مصباح کفیه
 این آیات را نوشته بران راست و در حمامه بنفشه چود وضع
 حمل شود باز کند بسم الله الرحمن الرحیم کانهم یومرون ما
 یوعدن لم یلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ فهل یهلك
 القوم الفاسقون کانهم یومرون بها لم یلبثوا الا عشیة
 و اضعفها اذ قال مرات عیان و مت الی ان رث اللطاف

الخلق في
 ارضهم من
 وحي لوانا
 واطعنا
 ربنا واليك
 المصيبة اه
 اه اهلنا الضيا
 احيا ادا
 بحق بلوته
 الناعا والف
 لا حول ولا
 قوة سلافا
 العالم العظيم
 يا مجيب
 يا رافع الحنات

بلی محراباً فبقید منی قلت انت السميع العليم ویزاین
 دغا را نوشه بر زن چپ بند منها خلفنا که و فيها نغید کم و
 منها نخرجک ناره اخرى یا خالق النفس من النفس و علقها انفس
 فرج عنها فالله سرنا و نیز از برای وضع حمل اینست که را باید
 نوشت و بر زن راست زن بند آخری یا نفس من هذا المحسر
 ایضاً اینست که را بنویسد بر زن چپ زن بند اینست
 و نیز جهت استراضع حمل نوشت که
 اشتقاق را بنویسد بر حامله
 بند ایضاً برای استراضع حمل
 چون سوره آفا انزلناه را
 بر حامله خوانی است شود و نیز سوره قد و در بظرفی نویسد
 بشوید زن حامله بخورد و بر فرجش بپاشد است شود
 ایضاً روایت است که آیند عار بر پوست او یا کاغذ بنویسد
 حامله بخورد دارد اللهم یا فارح الهم و کاشف الهم و یارحم
 الدنیا و الآخرة و رحیمهما ارم فلانة بنیت فلان رحمہ
 نفسها بها عن جمیع خلقک تفرج بها کریمها و تکشف
 غمها و تیسر بها و لادتها و قضی بینهم بالحق و قیل الحمد لله
 رب العالمین ایضاً آیند عار سه مرتبه بر کوزه آب بخور
 و از آن آب حامله بنوشد و در میان و شاناش بریزد
 و هم در میان افشاند که ان شاء الله که در بیم الله
 الرحمن رحیم فیما لای یزاله الا هو الله الخ

ويا مغيث
 اقمناك يا
 دافع البلي
 افن حاجتنا
 بحق محمد
 برضك يا
 ارحم الراحمين
 انا يا
 حاجتنا
 يا ارحم الراحمين
 بكم لند
 لند في الق
 ويا مغيث
 عظمنا بكم
 الفاطم
 وسمو

الکریم سبحان الله رب العرش العظيم الحمد لله رب العالمين
 بسم الله العظيم الکریم سبحان الله رب السموات السبع
 ورب العرش العظيم الحمد لله رب العالمين کانهم یومرون
 یردنها لعلینا الا عشترا و فحیها کانهم یومرون
 ما یوعدون ایضا مردیت که زن زمان حمل کنند
 بخاید که هم باعث زیادی عقل فرزند شود ایضا
 زانما مرد رسید که خوردن به زمان حمل باعث
 جمال فرزند شود ایضا روز وضع حمل هفت
 دانه خرما بخورد باعث حلم فرزند شود بروایتی وقت
 ولادت چون فرزند زائده شود سنت است که او را
 غسل دهند در کوش رسا و اذان و کوش چپ را قاصه
 بگویند و کام او را با تربت سید الشهدا یا غسل یا خوا
 بردارد چون چنین کند از ذنوب حق و انحراف محفوظ ماند
 و سوره بلد بخواند و معوذتین همراه او نماید و سنت است
 که نام را در روز هفتم بردارد و بنام یکی زانبدیا و اتم
 چنانچه کشته در مولود قاصه و ایضا سنت است که در
 هفتم سر او را بزنند بوزن او طلا یا نقره نصبت فرماید
 و بعد عقیقه کند و مکره است زلف کاکل گذاشتن و
 نیز در روز هفتم کوش او را سوراخ کند و ختنه نماید و
 و بعضی واجب میدانند و اگر کسی قادر نباشد تا آخرش تا

در روز ولادت
 اگر کسی قادر نباشد
 تا آخرش تا

تا وقت مکان جایز است در عاقبت شیخ کلین
 در کتابی از حضرت صفای قدس روایت کرده که در روایتی
 عقیقه ایند عاذا بخواهند و بجهت وجهی للذی فطر السموات
 و الارض حینما و ما انا من المشرکین ان صلواته و شکی و حیا
 و ممانی لله رب العالمین لا شریک له و بذلک امرت و انا
 من المسلمین اللهم منک و الیک بسم الله الله اکبر اللهم صل
 علی محمد و آل محمد و تقبل من فلان ابن فلان و اسم مولود
 ببت و بعد بخ کند و پیش از ذبح بسم الله را تمام بگوید
 یا شب پرستان در منهاجست که خایه کودکی بایند
 صا لحدی باشد چرا که تربیت منوط بشیر است مردیست که
 زنی که شورش کو باشد بنویس و انکم فی الانعام له بر تنقیم
 تمامی بطونه من بین فرزند و دم لها خالصا نال الشاربین
 و باب بشوید زن پیامد شرا و زیاده شود ایضا این
 را بشوید بخورد و انکم فی الانعام له بر تنقیم تمامی بطونه
 و لکم فیها منافع کثیره و منها ما کون و اگر این ایه را بگوید
 کا و او بر د شورش زیاده شود و میفرماید الله الحق و الباطل
 فاما الزبد فیه ذهب جفاء و اما ما ینفع الناس فیه مکث
 فی الارض و ان لکم فی الانعام نال الشاربین ایضا این
 ایه را بمشک و زعفران بنویسد بر ظرف پاکیزه و پیامد
 شورش زیاده شود و آذ استغنی موسی لقوم فقلنا ان ضرب

در روایتی
 عقیقه ایند
 عاذا بخواهند
 و بجهت وجهی
 للذی فطر السموات
 و الارض حینما
 و ما انا من المشرکین
 ان صلواته و شکی
 و حیا و ممانی
 لله رب العالمین
 لا شریک له و بذلک
 امرت و انا من
 المسلمین اللهم
 منک و الیک بسم
 الله الله اکبر
 اللهم صل علی
 محمد و آل محمد
 و تقبل من فلان
 ابن فلان و اسم
 مولود ببت و
 بعد بخ کند
 و پیش از ذبح
 بسم الله را
 تمام بگوید
 یا شب پرستان
 در منهاجست
 که خایه کودکی
 بایند

ببرشند و حب نمایند و این آیه را با نعران بر جام آهن
 بنویسند تا آن جام پر شود و یکجزه زعفران تنها بگوید
 و بعد از اینند و آیه که ذکر میشود بنویسند و این را در
 شب شنبه پاک بریزند بسم الله الرحمن الرحیم ان الله مبدئ
 السموات والارضان نزولاً ولئن زلنا ان امکمما
 من احد من بعد ان کان حلیم غفوراً پس در درگاه او
 آیات و فاتحه کتاب اخلاص سه بار و معوذتین و آیه
 الكرسی و آیه ثوابنا هذا القرآن ما اخر سورة و آیه ملا
 ادعوا الله تا تکبیر و بعد از آن مذکور ان الله مبدئ تا او
 بعد بنویسد یا من هو کذا و لا هکذا غیر اصلک عن فلان
 ابن فلان ما یجد عن غلبه البول پس این قومین را بر زانو
 صاحب رو بند و در وقت خواب یکی از آن جتها را بخورد
 و قدری از آن آب به شامه رفع شود چون رفع شود باز
 کند دغارا که حبس لبول نکند ایضا بر درون او بنویسد
 بر صاحب رو بند هف هف هف هف هف هف هف هف هف هف
 هات انا له کف کف هف هف هف هف هف هف هف هف هف هف
 فل هو الله احد من حیث یسخر احد و ابليس شیخ لبو الله
 کما الذی سجد لادم الملائکه باذن الله انه کریم بنیت
 کریمه و ولد فلان ابن فلان شدت نبوت
 نبوت و صیغه صغه ختمت بخاتم سلیمان ابن داود و الله ت

کماله
 الفصحی
 لک من یفید
 لک ان تکتب
 الفصحی
 الی یسجد
 ان تکتب
 فک کما یفید
 و آیه لک
 فلان ذریه
 فی الفلک
 المسمون
 خلقنا لهم
 من مثلهما
 کیون و ان
 نشاء نفیض

العالین تعوذین حسنه بسم الله الرحمن الرحیم
 اللهم یا ذا العرش المجید و الملک القدیم و العطاء العیم
 و انصواط المستقیم یا مرسل الرياح و یا فالق الاصابح
 و یا باعث الارواح یا ذا الجود و التماح یا الله یا الله
 یا الله یا رحمن یا رحیم یا احد یا احد یا احد یا فرد یا فرد
 یا حق یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام یا رحمن ذی و فقی و
 فاقی و انفرادی خضوعی و خشوعی بین یدیک و اعنای
 علیک نصرت لیک تسبیح علی کل صبر عبیر و امنع عنی
 کل ظالم و شرک حاسد و افة و مضر و شدة و بلاء و و بلاء و
 زلزله و کل علة و بلیة یا ستوح یا فذ و یا رب الملائکه
 و الروح و صلی الله علی محمد و اله الطاهرین و سلم تسلیما
 اللهم یا ذا السلطان القدیم و الملک القدیم و الوجه الکرم
 و الکلمات التامات و الدعوات المستجابات غای الغلان
 من نفس الجن و اعین الائن بالف لاجل و لافقه الا
 یا الله العلی العظیم برحمتک یا ارحم الراحمین

دعای ام الصبیان

جهنم دفع اذیت شیاطین و جن این دعا را بخواند یا با خود
 دارد و بر کودکان اریزد از ضحاک با این طریقت بسم الله
 و یا الله و من الله و الی الله و لا غالب الا الله و هذا کما
 من الله العلی العظیم و من نفس خاتم سلیمان ابن داود

کماله
 الفصحی
 لک من یفید
 لک ان تکتب
 الفصحی
 الی یسجد
 ان تکتب
 فک کما یفید
 و آیه لک
 فلان ذریه
 فی الفلک
 المسمون
 خلقنا لهم
 من مثلهما
 کیون و ان
 نشاء نفیض

ابن مريم خلص من خلق هذا ففخنا ابواب السماء بماء
صهبر وفجرنا الارض عيوننا لنقى الماء على امر قد قد
يوم تستقو السماء بالغما ونزل الماء فكة نزيلا
المالك يومئذ الحق للرحمن كان يوما على الكافرين
عسيرا انا صببنا الماء صببا ثم شققنا الارض شقا
فبها حبا ومنها وقصبا وزيتونا ونخلًا وحداثًا غلبا
وناكهه وابا متاعا لكم ولا نعامكم بسم الله الرحمن الرحيم
اذا فتحنا لك فلجا صهبا ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك
وما تاخر ويتم نعمته عليك ويهديك صراطا مستقيما
ينزل الله نصرا عزيزا كانهم يوم يرون ما يوعدون لم
يلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ فهل يهلك الا القوم
الفاسقون ولهم برا الذين كفروا ان السموات والارض
كانتا رفا فنفقناهما فجعلنا من الماء كل شيء حي افلا يؤمنون
اذا السماء انفطت واذا نزل لربها وحطت واذا الارض
مدت والفت ما فيها ونخلت وبالحق انزلناه وبالحق
نزل وما ارسلناك الا مبشرا ونذيرا ان وليي الله
الذي نزل الكتاب هو يولي الصالحين فان تولوا
فصلح حبى الله لا اله الا هو عليه توكلت هو رب
العرش العظيم لا اله الا الله رب ابراهيم واسماعيل
ويعقوب رب جبرئيل وميكائيل واسرافيل واعبيد

وَاَتَوَلَّوْا سُلَيْمَانَ
 اَعْمٰى حُلَيْمًا
 اَتَيْنَاهُمُ الْاَزْوَاجَ
 الْاُنثٰى وَارْتَضَوْا
 اَلَا تَرٰى اَنَّا بَعْثْنَا
 اِلَيْهِمُ الْاُنثٰى كَمَا بَعْثْنَا
 اِلَيْكَ رِجَالًا مِّنْ
 قَبْلِكَ فَاصْبِرْ
 لِدَعْوَانَا لَعَلَّكَ
 تَكُن مِّنَ الصّٰبِرِيْنَ
 عَلٰى كُلِّ عَصِيٍّ
 عَلٰى شَاكِلَةٍ
 فَرِيقًا مِّنْ
 مَّوَالِيْكَ
 سَبِيْرًا
 يَّبْقٰى وَفَرِيقًا
 مِّنَ الْاِنْسَانِ مَا

من علق عليه كتابي هذا باسمك الأكبر وبكلماتك
التامات التي لا يجاوزهن بزو لا فاجروا بالاسماء
الحسنى وبغزة الله وجبروت الله وعظمته من شرمها
خلق وذرع وبرء ومن شرا لصامت والناطق الظاهر
والباطن والبحر والشجر والخيول والطوآء والثرى
والشاهد والغائب الغادي والرائح ومن شرا
كل دابة في البر والبحر عري او عجمي او فصيح او قائما او
قاعدا قائما او يقطانا او ساكن السحاب الظلة اعين
من علق عليه كتابي هذا وهو عز الله حيث كان معه
وحيث ما كان والله معزته دولته وحافظه حارسه
وعافيه بمرض ثمانية من عين او نفث او لس او ستر ما
شاء الله لا قوة الا بالله وبالله وبالله وبالله فتمت
وبالله فتمت واعينه بالله الواحد الاحد الصمد
الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد اعينه
رب الفلق من شرمها خلق ومن شرمها سوا ذا وقب
ومن شرا التفاتات في العقد ومن شرمها سدا ذا
حسد واعينه برب الناس ملك الناس له الناس
من شرا الوساوس الخناس الذي هو موس في صدق
الناس من الجنة والناس اللهم احفظ صاحب
هذا التكوين بحق محمد عبدك الكريم وكلامك

الذی یسأل
عنکم فی
الحیات و
الموت و
البعث و
النار و
الجنة و
الشفاء و
رحمة
المؤمنین
والمؤمنات
والطاهرین
والتقویة
والتعبید و
ایمانک
فمنعین
یا قاضی
السیئات
اقض لی
حاجتی
فیما
اسألت

ولوط واسماعيل واسحق ويعقوب الاسباط
وذاود وسليمان واليسع ويونس والياس
وذا الكفل ويونس وعيسى وكرتيا ويحيى
وذا القرنين وطلوثة ودا نبال وعزير
حزقييل والخضر ومحمد خيرا البشر صلوات الله
عليه عليهم اجمعين وبما استعاذ به كل ملك
وقرب نبى مرسل الا ما تباعدتم وتفرقت عن حال
كتابي هذا بسم الله الجليل الجمل المحسن لفعال
الما يروى واعينه بالله وبما استنار به الشمس
واضياء به لقربا للاسم الذى هو مكتوب في حوال
العرش لا اله الا الله محمد رسول الله على ولى
الله فسبكفكم الله وهو السميع العليم ظهر
سلطان الله وتفرقا عداء الله ومظفر اعداء
عزب الله وبقي وجه الله وانت يا صاحب كتابي
هنا في حرز الله وجوار الله وامان الله والله
وليك وحافظك وحارسك وحرزك ومؤيدك
ما شاء الله كان وما لم يشا لم يكن شهد ان
لا اله الا الله وان على كل شئ قدير واخطا بكل
شئ علما واخطا بما لديه خبرا ان الله زملاؤك
يصلون على النبي يا ايها الذين امنوا صلوا

يا ارحم الراحمين
ذلك الكتاب
الحق الذي
انزلنا بالقرآن
العزيز
الذي هو
الحق الذي
انزلنا بالقرآن
العزيز
الذي هو
الحق الذي
انزلنا بالقرآن
العزيز

١٢

سر هر که صبر کرد و ظفر نفع یابد

عليه تسليمًا ختمت هذا الكتاب بخاتم الله
الذي ختم بها فطارا السموات والأرض وخاتم
الله المنيع وخاتم سليمان بن داود وخاتم
نبينا محمد عبده ورسوله صلى الله عليه وآله
وعلى جميع الأنبياء والمرسلين والملائكة
المقربين الآلات واليأما الله لا خوف عليهم
ولا هم يحزنون لأحول ولا قوة إلا بالله العلي
العظيم حسبنا الله ونعم الوكيل نعم المولى
ونعم النصير وأعيده بالله الذي لا اله إلا
هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم
وصلى الله على محمد وآله أجمعين وأكرهم
فلربا أية الكرسي وأخوش نبوليد هذا

حرر صغيرا ثوبا

که مشهور بر و رسد شریح تراست چنانچه
کمال الذین در کتاب حیوة الحیوان ذکر نموده
که ابو دجانه گوید من از شهاب طین و جن در آنجا
بودم و بحضورت رسول خدا ص شکایت کردم
انجام ابی حضرت امیر علیه السلام فرمود که این جن
را بنوش و بمن داد با خود داشته باش چون خوابید
بزیر سر گذاشتم او را زی شنید که میگفت ای

وید
نهی
افضل
ماهی
ارسطو
ان احسن
بجمله
شکلی و رنگی
ان اعمده
مد
مشهور
لغة انسانی
منکر
رنگ افروز
تنگ
هذه
الاشجار

(۱۰)

(2, 1)

عما يشركون هو الله الخالق البارء المصور له الأسماء
الحسنى سبح له ما في السموات والأرض هو العزيز الحكيم

از سبند علی همدانی روایت شده جهت دیو و پری
زده شده و برای کسی که جن بر او مسلط شده باشد
تاثر عظیم دارد و چون بر او خوانند بر زودی خلاص شود
و طریقه خواندن اینست که بر گوش چپ یا راست مصرع
بنایی بخواند از سر بوجه تحکم و هیبت و اگر یکف است
راست یا چپ را بنویسد خوب است و اگر از نوشتن متعب
باشد بر بیاضی که بد ستور تقوید است بنویسد در وقت
نوشتن بر زبان بخواند و جهد نماید در وقت نوشتن نیز
از سر بوجه حضور قلب باشد و اگر در مکانیکه جنیان
باشند بحضور قلب بخواند از آنجا فرار نمایند و این دعا
با شرح از کتاب نهیل نوشته شده بسم الله الرحمن الرحیم
اقشراقا شرفا عشر مرقات سنطاف خطوف خطاف
شعدا من فرداس ربه رب العزة يا طهمسوا مبشوح ارجح
شروح اموا حثيثا القديم الاولى الابدنى ان الذين
افنوا المؤمنين والمؤمنات ثم لم يتوبوا فلهم عذاب جهنم
ولهم عذاب اخر بقا نشد که با معشر الحق بالله العزة القها
الوالانى ونفى العهد الذى خذ عليكم سلما امن دار

ان من
عن عباده
سيدخلون
جهنم الا من
وانت اذ
لكم ان
الغلام
انت فبات
كل كروب
وانت قلت
لما قلت
وهذا اذ
انت اذ

ان لا تضروا بجامل هذا الهيكمل وان تتركوا في حوز الله
وحاشيه بحق محمد وال واجمعين حضرت رسول فرمود
هر که از شياطين و جاد و کران ترسد یا نه از ربکم الله
تامن المحسنين از سورة اعراف بخواند دعای کثیر
از جهنم زده و بیهوش شد بخواند یا با خود دارد
بجربست بسم الله يا مبین و یا کثاف لکروب موا
سبب طشون یا ذا انوا ملخو و تون اللهم یا رب یا ز
امیون ارشد اعیشون اللهم دهشاد هلیو مصطو
یا رعیط اخلا خون یا رخصو رحیم رحیم
رحیمون اهیا شرا هیا اذنی اصبار اللهم یا منیع
مشیخنا شیخا لامون یا من امر بین الکاف النون انما
امرو اذا اراد شینا ان یقول له کن فیکون فبسم الله
بید ملکوت کل شیء و الیه ترجعون ایضا بتجرب
رسید که اگر کبریا دیوانگی و بیهوشی باشد این
را در پنج سطر بطریق نوشتن شود که چشمها حریف
کشاده باشد و بر بازوی راست و بند بسم الله
الرحمن الرحیم و نفخ فی الصور فصعق من فی السموات
و من فی الارض الا من شاء الله ثم نفخ فیها اخری فاذا
هم قیام ینظرون و اشرف فی الارض بنور ربها و وضع
الکتاب بیتی بالنبیین و الشهداء و قضی بینهم

[illegible]

في الماء والغاس في النار صاغت محمداً وار تحل من الدنيا
 فار تحل من هذه النفس بحق محمد وآله اجمعين أيضاً
 بسم الله الرحمن الرحيم عليك صلياً انت تعلم ما في
 قلوبهم ملبقاً ايضاً جهة باد سرخ مجربيت اذ لا
 بايدان را تبغ زنند ناخون بر ايد بعد ازان عصا ده
 كل هميشه بهار بران موضع بمالند بقسميكه خون با
 اب مخلوط كرد د ايضاً جهة باد سرخ و جميع باد هاى
 كج را نيز بخته با اب كشنه بپا رقبو سر شنه انقد بر
 هم زنند كه كج را بسلكى نباشد مكر بمالند از حضرت اما
 صاف مريدت كه سورة غاشيه ام بخوانند نافست در
 معالجها فالح وان علقى است كمدست و پا و اعضا را
 بست ميكنند كه بخت سوكت ميشود اين ايات را بنوي
 و با خود دارد و بران نيز بخوانند نافست بسم الله الرحمن
 الرحيم بحواله ما يشاء و يثبت و عند ام الكتاب الحمد
 لله فاطر السموات و الارض جاعل الملائكة رسلا
 اولي اجنه مشيه و ثلث ربايع باسم فلان ابن فلان و نيز
 مريدت كه الحمد معقود بين و قل هو الله را جهة فالح و
 لفوه و قولنج و باد ها از هر علق بر جاعى يا مشك و
 زعفران بنويد و بعد ايند عاذا بنويد اعود معبه
 العظيم و بجزه البقى لا ترام و بقدره التلى لا يمتنع منها

بسم الله الرحمن الرحيم
 عليك صلياً انت تعلم ما في
 قلوبهم ملبقاً ايضاً جهة باد سرخ
 مجربيت اذ لا بايدان را تبغ زنند
 ناخون بر ايد بعد ازان عصا ده
 كل هميشه بهار بران موضع بمالند
 بقسميكه خون با اب مخلوط كرد
 د ايضاً جهة باد سرخ و جميع باد
 هاى كج را نيز بخته با اب كشنه
 بپا رقبو سر شنه انقد بر هم زنند
 كه كج را بسلكى نباشد مكر بمالند
 از حضرت اما صاف مريدت كه سورة
 غاشيه ام بخوانند نافست در معالجها
 فالح وان علقى است كمدست و پا و
 اعضا را بست ميكنند كه بخت سوكت
 ميشود اين ايات را بنوي و با خود
 دارد و بران نيز بخوانند نافست
 بسم الله الرحمن الرحيم بحواله ما
 يشاء و يثبت و عند ام الكتاب الحمد
 لله فاطر السموات و الارض جاعل
 الملائكة رسلا اولي اجنه مشيه و
 ثلث ربايع باسم فلان ابن فلان و نيز
 مريدت كه الحمد معقود بين و قل هو
 الله را جهة فالح و لفوه و قولنج
 و باد ها از هر علق بر جاعى يا مشك
 و زعفران بنويد و بعد ايند عاذا بنويد
 اعود معبه العظيم و بجزه البقى لا
 ترام و بقدره التلى لا يمتنع منها

شئ من شر هذا الوجع ومن شر ما فيه من شر ما احدث
 منه و اكر بر لوج يا مشانه كو سفند نو سيد خوشب و با
 باوان بشويد و بناشنا و وفت شامر بنا شامد و نيز
 اين يا نراذ كر كرده اند كه بر زعفران بنويد سر و در فالح
 ازان بخورد شفا يا بد الله بسم الله الرحمن الرحيم بحواله الله
 ما يشاء و يثبت و عند ام الكتاب الحمد لله فاطر السموات
 و الارض جاعل الملائكة رسلا اولي اجنه مشيه و ثلث
 ربايع باسم فلان ابن فلان از حضرت صاف مريدت كه
 جهة باد قولنج و لفوه و فالح ايند عامفيد است الحمد معقود
 و ايه من يطع الرسول فقد اطاع الله و من تولي فاءرسلنا
 عليهم حفظا و يقولون طاعة فاذا برزوا من عند بيت
 طائفة منهم و توكل على الله و كفى بالله وكيلاً ايضاً بر سر
 خانه نادر و برك كنار بر هر يك يكبار بخوانند لا ماخذ
 مسند و لا نوم له ما في السموات و ما في الارض و برد هاى
 اندازد بپوشانند و در مجربيت ايضاً مريدت كه شخصى
 جعفر صادق عرض كرد كه بادى ز سر پا پايام فرود گرفته فرمود
 كه عنبر و روغن زنبق بناشنا بد ماغ بچكان و نيز شخصى
 لقوم غار ضرر شده او نيز بحضرت عرض كرد فرمود كه برو برو
 رسول الله چنين كرد شفا يافت و دوايت ديكر فرمود كه
 سورة اذ از لوله الارض زلزالها را بنويد و دران نظر

بسم الله الرحمن الرحيم
 عليك صلياً انت تعلم ما في
 قلوبهم ملبقاً ايضاً جهة باد سرخ
 مجربيت اذ لا بايدان را تبغ زنند
 ناخون بر ايد بعد ازان عصا ده
 كل هميشه بهار بران موضع بمالند
 بقسميكه خون با اب مخلوط كرد
 د ايضاً جهة باد سرخ و جميع باد
 هاى كج را نيز بخته با اب كشنه
 بپا رقبو سر شنه انقد بر هم زنند
 كه كج را بسلكى نباشد مكر بمالند
 از حضرت اما صاف مريدت كه سورة
 غاشيه ام بخوانند نافست در معالجها
 فالح وان علقى است كمدست و پا و
 اعضا را بست ميكنند كه بخت سوكت
 ميشود اين ايات را بنوي و با خود
 دارد و بران نيز بخوانند نافست
 بسم الله الرحمن الرحيم بحواله ما
 يشاء و يثبت و عند ام الكتاب الحمد
 لله فاطر السموات و الارض جاعل
 الملائكة رسلا اولي اجنه مشيه و
 ثلث ربايع باسم فلان ابن فلان و نيز
 مريدت كه الحمد معقود بين و قل هو
 الله را جهة فالح و لفوه و قولنج
 و باد ها از هر علق بر جاعى يا مشك
 و زعفران بنويد و بعد ايند عاذا بنويد
 اعود معبه العظيم و بجزه البقى لا
 ترام و بقدره التلى لا يمتنع منها

اصبر على ما اصابك

صبر کن

بسم الله بلا فاصله بخواند و اگر بگوید و نتواند از سر کرد
و این ایات را بنویسد حجرت است و آن من شئ الا عندنا
خزانته و ما ننزله الا بقدر معلوم هل یستعینکم اذ
تدعون او ینفعونکم او یضرون در حجر المشافع آورده اند
که چنانچه بهی و برص بران بخواند و تعویذ نماید سحر کم
ما فی الارض جمیعاً من ان فی ذلک لایات لقوم یتفکرون
ایضاً سوره لم یکن را بنویسد ان الذین قالوا ربنا الله
ثم استغفوا فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون و الذلک
اصحاب الجنة خالدین فیها جوارها کما یوابعملون و حبیبنا
الانسان بوالدیة احساناً فاحلته امة کرها و وضعه کرها
و حله و فضاله و صلی الله علی محمد و آله اجمعین ایضاً
ایضاً و برص بمالدا ایضاً برای جدام و خوره این ایات
را بخواند و با خود دارد تسبیح الله ما یشاء و شیت
و عندنا کتاب الحمد لله فاطر السموات و الارض طاع
الملائکه و رسله اولی الجنة منی ثلاث و رباع باسم
فلان ابن فلان در همان کتاب آورده که این ایات را
تعویذ کند چنانچه خوره یا خود دارد اتمه من یات رقیبه
مجرماً فانه لایحیون لا یموت فیها و لا یحیی من کیات
مؤمناً قد سئل اصحابنا ما فذلک لهم الذی یحیات
العلی کل نفس ذنوبه الموت و نبیوکم بالشر و النجیة

کتاب التوحید
در بیان توحید
و بیان صفات حق تعالی

در بیان صفات حق تعالی
و بیان توحید

در بیان صفات حق تعالی
و بیان توحید

و این

صبر کن بر آنچه برسد تو را


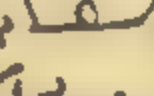
والینا ترجعون از امام محمد باقر مرویست که خورده شد
و ک خوره را میبکند از چپه خام و چپه پنجه بر روی آینه
شارب دن هر چپه اما نشناخت خوره ایضاً استخوان بود
سوخته با صبر در سوخته بالتسویه زرور نماید با بر
عذاب خشک چنانکه بپعدیل است ضما بر
زرد که این خاصیت دارد ایضاً اشامید بول بر
که در کوزه ها خشک میشود چهل روز با سکنجبین
ناشنا بخورد چنانکه جام نافست هرگاه کسی را کرمی و
خارش روی باشد در سطح هر ماه بنام او نوشته این شکل
را در زمین نمالند فن کند تا هفته دیگر خلاص شود
۱۵۱ ۵۶ ۵۱ ۵۶ ۵۱ ۵۶ ۵۱ ۵۶ ۵۱ ۵۶ ۵۱ ۵۶ ۵۱ ۵۶ ۵۱ ۵۶
باید نزل جمیع تجربه نموده اند هرگاه سوره قدر برشته
که در خنثی بالغ و شسته باشد هفت لا کرده هفت مرتبه
بران بخواند و بداند و در هر مرتبه بگوید عقدت
نزل فلان ابن فلان بقوله و نزل من القرآن ما هو
شفاء و رحمة للمؤمنین و صاحب نزل ان و شسته
خود را رد دفع شود و شسته دیگر علاوه بران شسته
هفت مرتبه این ایات را بخواند و هر مرتبه کره برین ندو
بران دمد صاحب نزل و شسته با نکشت و سطح
خنصر بسته بعد از شفا یا فلان ان و باب و ان انداز

کتاب التوحید
در بیان توحید
و بیان صفات حق تعالی

در بیان صفات حق تعالی
و بیان توحید

دفع ثب ریح منقول است که این آیه را بنویسد بر او بنده یا بر
 نان نویسد بخورد یا نادر کون بر ذرا و سلاما علی ابرهیم و
 اراد و آیه که ما نفعنا هم الاخرین و از حضرت کاظم علیه السلام مرویست
 که برای ثب ریح بنویسد بر دست راست بسم الله جبرئیل و
 بر دست چپ بسم الله اسرافیل پای راست میکائیل پای چپ
 عزرائیل و بعد از هر وقت فیها شمس و لا زهره میانه در
 کتف بسم الله العزیز الجبار و هم چنین با فلا را سوراخ نموده
 دو عدد شیش را و جامه داده بایع نماید مجرب است و جهت دیگر
 که نه آورده اند که دختر نابالغ را بگوید سه بار ادا به نیت
 ثب ریح کند بخوابد که مغزش در دست باشد هوای بیرون
 او را نه بیند و در زیر سر ثب دارنهد صبح پیش از طلوع
 افتاب با کسی سخن نگوید بنویسد بخورد اول بسم الله دوم
 بسم الله سیم بسم الله نفع بکر از موده شد مرتب
 بنویسد زیر سر ثب دارنهد زایل گردد توعد بکر بنویسد
 دفع شود دست راست
 توس منقسط مغرب دست
 چپ منقوض منقوط ده آخر
 دست راست اول اینها او کربا
 او کربا او کربا ایضا بر کف دست
 مریض این شکل را بنویسد

بر صفتی نامی
روز شنبه آور
ماه نقش کن
ایضا
اینها عالمی
واردان جمیع
بنیان مخفی
ماقد تبسم اند
استرعی و
عود بانو
القهار من
کل خاسد
فواعل وکل
خلق زائد
شجر طوق الموت

هلم فلح شفا یا بد مردیت که مرد پراختش رضا منقش بد
 سبب پرسید عرض کرد شب ربع با من تجاوت مه کند حضرت
 فلم و ملا دطلبید بر کاغذ نوشتند لبها الله الرحمن الرحیم
 بجد هوز حتی کلین عن فلان ابن فلان بعد نوشتند
 نقش نکین خاتم سلیمان را  پس بخادم فرمود
 رشتنه بپا و رکه اب هن ندید  باشد خادم او را
 پس بران رقعہ ثبت و جانب است چها کره و جانب چپ
 کره و بر هر کره فاضله و معوذتین و اخلاص اینه الکرسی خواند
 و بان مرد فرمود بپا زوی است خود بند و در اثنای
 بسن اینه الکرسی بخواند و با این رقعہ با تو است حمامت
 مکن باید نکه دارند با طهارت باشد دفع تب غبت
 مریض از هر درخت که باشد بر سر برک بنویسد و آب
 روان اندازد دفع شود اول طیشوما دوم احوماسیم
 ابر سومًا نوع دیگر بر کف دست و پا مریض بنویسد نور
 قوس شاماح شاماح عجل عجل صحت صحت نوع دیگر
 دعا را بر تخم مرغ خام بنویسد و رشتنه که در خرنابا لبح
 و شنه باشد به پیچد و بیضه را به بند بعد از کند
 پوست بنویسد یا قوله یا ونه اینونه یا خوسطر
 نفخنا ابواب السماء یا منهد ففتح السماء فکان
 ابوابا ایضا جهنم نیز تجزیت که بر سر قطعه کاغذ

ما لا يضرنا
يقطره من ماء
ولا يضره ظن ولا
في مقام ولا
في اللبابة و
اوان الايات
ولا يضره
ايدهم ايضا
من خضرت
وسجل جف
جميع ملكها
فانفسنا
الله الخ
الله الخ
ما يملك من

(بؤره)

دفع نب ریح منقولست که این ایه را بنویسد بر او بند یا بر
 نان نویسد بخورد یا نازک و بزرگ و سلا ما علی بریم و
 ارادوا به کذا فجعلناهم الاخرین و از حضرت کاظم علیه السلام
 که برای نب ریح بنویسد بر دست راست بسم الله جبرئیل
 بر دست چپ بسم الله اسرافیل پای راست میکائیل پای چپ
 عزرائیل و بعد از هر دو تنها شمس و لازمه هر دو میان
 کشف بسم الله العزیز العبار و هم چنین با فلان را سوراخ نموده
 دو عدد شمشیر را و جدا داده بپای نماید مجرب است و جهت آنها
 کهنه آورده اند که دختر نابالغ را بگوید سر بادام به نیت
 نب را بشکند بخوبی که مغزش در دست باشد هوای بیرون
 او را نه بیند و در زیر سر نب دار نهاد صبح پیش از طلوع
 افتاب یا کسی سخن نکوید بنویسد بخورد اول بسم الله دوم
 بسم الله ستم بسم الله الله نوبت بکرا ز موده شد مرتب
 بنویسد زیر سر نب را نهاد زایل گردد نوبت بکرا بنویسد
 دفع شود دست راست

لا حول ولا
 توس منفرط مغرب دست
 چپ منقوض منقوط ده آخر
 دست راست اول آنها او کرا یا
 او کرا او کرا یا ایضا بر کف دست
 مریض این شکل را بنویسد

بر صفت نب ریح
 روز شنبه از
 ماه شمس
 می
 می
 ایند قاتبا بنویسد
 و از آن جهت
 بنیاد نب ریح
 ماند تا بسم
 است عین و
 عود یا کرا
 انقار من نب
 که خاسته
 نوبت بکرا
 خلق را اند
 طاعت الملائک

هلی فلح شفا یا بدم و دست که مرد بر اخضر رضا منقذید
 سبب بر سپید عرض کرد نب ریح با من بجا جت میکند حضرت
 فلم و ملاذ طلبید بر کاغذ نوشتند بسم الله الرحمن الرحیم
 ابعده هوز حقی کلین عن فلان ابن فلان بعد نوشتند
 نفس نکین خاتم سلیمان را پس بجا دم فرمود
 رشتنه بپا و رکه اب هین ندید که باشد خادم او
 پس بر آن رقعہ نب و جانب است چها کره و جانب چپ
 کره و بر هر کره فاضله و معوذتین و اخلاص اینه الکوسی خواند
 و بان مرد فرمود بپا و روی است خود بند و در اثنای
 بسنن اینه الکوسی بخواند و نا این رقعہ با نواست جلاست
 مکن باید نکه داوند با طهارت باشد دفع نب غبت
 مریض از هر رخ که باشد بر سر برک بنویسد در آب
 روان اندازد دفع شود اول طیش و ما دوم احوال مسم
 ابر سوما نوبت بکرا بر کف دست و پا مریض بنویسد نوب
 توس شاماح شاماح عجل عجل صحت صحت نوبت بکرا
 دعا را بر تخم مرغ خام بنویسد و رشتنه کرد دختر نابالغ
 و رشتنه باشد به پیچد و بیضه را به بند بعد از کند
 پوست بنویسد یا قوله یا یونیا یونیه یا خوسطر
 نفخنا ابواب السماء یا منهد ففتح السماء نکات
 ابوابا ایضا جهت نب لوز مجرب است که بر سر قطعه کاغذ

ما را از حضرت
 نقیضه بنویسد
 و از آن جهت
 می مقام و
 فی النیاب
 او ان الکوسی
 یا انقذت
 اید هم
 من حضرت
 ریح و
 بسم الله
 یا فاضله
 الله انقذنا
 یا یونیا یونیه

در ساعت آخر آن در یک سطر طولانی بنویس و با خود دار
دفع شود بسم الله الرحمن الرحيم لا اله الا انت الاول
محیط به علمت که مع سرت و حق و با حق و نزلناه و
نزل و ما اسئلنا الا رحمة للعالمین بوجه چشم شش
فانت منصور ما ثواب ما ثواب یضاد و چشم از خضر
آبیلر او ملین منقولست که هر که چشم را اذاریا شد
یا عنقاد در ستایه الکرمی یا بخواند لبته شفا یابد
مرو لیست که شخصی خدمت حضرت صادق (ع) آمد دیدن
حضرت را چشم در می کند و دزد یکرخد میان حضرت آمد
ندید سبب پرسید فرمود بدین دعا قویذ نمودم اعود
بقره الله اعود بعظمة الله اعود بجلال الله اعود بکبر الله
اعوذ بنبیها الله اعود بعفوان الله اعود بعلم الله اعود بکم
الله اعود برسول الله فما اخاف را حد ر علی عینی و احد
من رج عینی اللهم رب الطیبین اذهب عني بحولك قوتك فكشف
عنك غطا لك فبصر اليوم حديد فنظر نظره في النجوم فقا
لا تسقم وصورك فاحرصودكم ووزکم من الطیبات
تبارک الله رب العالمین یا علی یا عظیم یا کبر یا جلیل یا
منیع یا فرد یا و رب لا تد ر علی الارض من انکا فرین
د یا و رب لا تد ر فی فردا انت خیر الوارثین بسم الله الرحمن
الرحیم یا حی یا قیوم یا علیم یا حلیم یا علی یا عظیم یا جلیل

سيدنا ثوبان
 قال لا هفتاد
 من تبر سوزنه
 حبل من حبل فداكم
 من عيش عظيم حار
 اللهم انزل رحمك
 العليل فالله
 واعك الى
 القبر والشفاع
 فاعل جسد النور
 ووده الى جسم
 الطافيه ولا
 نطو الى النهر
 والى نذره من
 سائر الامم
 ارجعوا الى الله

یا هر دو تراست که آن فصلی علی محمد و آل محمد و آن لا مدعی
فرما و این خیر الوارثین و آن کنت واجدا الصلوة فی قبره مما
رزقنی فی حاجه امین یا رب العالمین چون سوره بقره را بنویسد
و کسب که چشم آن سفید اوده باشد بر او و در هر روز بخواند
و بر وایت حضرت صادق علیه السلام برای رد چشم این حرف است یا
چشم باز بر کاغذی بنویسد و آن کاغذ را بر روی تخته گذارد یا
سوزنی بدست گیرد اول صلوات و بعد یک مرتبه حمد بخواند
و سوزن را بر روی تخته بر حرف اول فرود آورد و ساکن نشد
دو مرتبه صلوات و دو مرتبه حمد بخواند و بگوید یا مسکن هذا الوجع
و سوزن را در حرف ویم فرود آورد و الا حرف سیم و هم چنین تا
حرف هیم نه مرتبه صلوات بفرستد و در هر مرتبه حمد بخواند
البته در دساکن شود اب ج د ه و ز ح ط ی
ایضا چشم خود را روی هم بگذارد و این دعا بخواند یا یاقوت
یا ربسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احدان فی العین مد
یا حمز و یباض حبی الله الصمد یا و تفاعک یا حمز
یا اطنی اکفقر شر الرمد لیس الله شریک لاله کفوا احد برای
محافظت چشم از آفت هر روز باید گفت فجعلناک سمیما بصری
ایضا برای محافظت چشم بر چشم بدمد و اویران نماید یا اطمینان
بیمقرب اعینک كما استغاذ به اذیه الرمد شفاء الله
ارجاء البشر بحق یعقوب ذهب بها الرمد شفاء الله و قد

فی مقدمه
 هذا ما ذكره
 المحمود كفاً
 يستنبطه الحق
 محمد وال محمد
 كتابه زكي
 اوقعه كرامين
 ايام زده
 خواص و خواص
 خبايا خواص
 ابنت شمس
 طه فداك
 سلامي بكيان
 ان خواص
 كرامت و عصمت

ما نك وباسماء افلح و غبض الماء ونضى الامر و
استوث على الجوتى وقيل بعد للقوم الظالمين
دعا كسوتن حيص فان اين دعا و افوشنه با خود دارد
بمنى بمنى و حى و حى سبى كسا شرا سدا ذا حسد و
سولها اسق حمتق سو كند و اكد و اكد بلوئى للوئى
اخرج لعزة الله احنا من خلق الله ايضا جهة قطع دعا ف
بنوليد و بران نگاه كند يا بر پيشاني نويسد اين است
وجهه در دعا غ ابر ايه حجر ثبت لبس
الرحمن الرحيم قل او تبكم بخر من ذكر
للهن انقوا عند ربهم جنات تجري من
تحتهم الانهار خالدين فيها و از واج مطهرة و رضوان
من الله و الله بصير بالعبا اسكن در فلان اين فلان جهه
در دها يعنى سفيد و جوششى كه در دها پيدا ميشود اين
كلها ترا سه روز پنبه ردها ن صاحبك نهد و سه بار و
هر دفعه پنبه از دها ن بر زمين نهد و پنبه ديكر بردارد
بعد پنبه روز اول و دوم را در آب اندازد و پنبه روز
سوم را بسوزاند يا يغوثا يا يلبوثا اذبتا ريشا اهد ينشا
بهر ن روازه ها بنده خدا بنام جبرئيل بنام ميكائيل و بنام
اسرافيل و عزرائيل من نيز بر تو كزند نكتم بكم رب
سفيد هذا مشافى هذا كاه و نزل من القرآن ما هو شفاء
ورحمه للمؤمنين جهه خورده ها ن بنويسد در



مجلس اول
در بیان این که چگونه
باید کرد تا در این
کار موفق شود
و این که در این
کار چه چیزها
باید دانست
و این که در این
کار چه چیزها
باید دانست
و این که در این
کار چه چیزها
باید دانست

نفسا ما وقت پیشین در آب اندازد و باز یکی را با آب
بخورد البته خوره از دها بر جربت سبع مایع مایع
بروغن خواند و بران مالند بسم الله الرحمن الرحيم قل
الله شهيد بيني بينكم انه كان بعبد خيرا بصيرا فسبكه
الله وهو السميع العليم حسبي الله و نعم الوكيل نعم المولى و
نعم النصير لا حول ولا قوة الا بالله العلي اعظم اطبا
جهه لب تركيد لغاب كيزا و بدهانه زامفید دانسته اند
در روغن بنفشه و پنبه بط کرم نمایند و شاخ کا و کوفی روغن
بنامیزند و بمالند و پوست شکی که بر بیضه کشیده بران
نهد تا فعت ايضا غرغره کردن طبع برك اجاص و بخار
بجهه در طحاط و نزل اند ما غی جربت خوردن این جهه
در دهن مضمضه جلنا را بر که تا فعت معالج در د
کلو بنویسد و با خود دارد فلولا اذا بلغت الحلقوم و انتم
حينئذ تنظرون هو الله الشك ايضا جهه اما سر کور و
ان بران بخواند المرانا ارسلنا الشياطين على الكافرين
فوزهم اذا ايضا اما سر کور و ملا و فغروب فدا جهه
مرغبر بر کاسه پر آب بخواند و در پیش خود نهد و کار دی
هر بار از ان آب تركند و بر موضع بمالند بسم الله اعظم
من المرعبة الله فانه اعوذ بالله من كل ذاء داخل و خارج

نفس
در بیان این که
باید کرد تا در این
کار موفق شود
و این که در این
کار چه چیزها
باید دانست
و این که در این
کار چه چیزها
باید دانست
و این که در این
کار چه چیزها
باید دانست

وما بينهما وما تحت الأرض ودرمکارست که ایند عاذا
 بخواند ربنا الله الذي في السماء تغدس اللهم اسمك
 في السماء فاجعل جنتك في الارض اغفر لنا ذنوبنا وخطايانا
 وانت رقيبنا لطيفنا نزل من رحمتك شفاء من شفائك على
 هذا الوجع وهر در پا را بشوید و بر ساقها بنویسد ففضا
 ابواب السماء بماء منهمر و فجرها الارض عيونا في انقي الماء
 على امر قد يدور حولنا على ذلنا الواح و در سر برنج با عینش
 جوار من کان کفر خواند قرآن جهه هر درد شفاست ایضا
 شپش زنند و را حلیل خود بدارد بر روی بول باز شود
 فضله موثر از بر زها ریند کشاده شود جهه بواسیر خضر
 امیر منقولست که خواند ناین دعا برای بواسیر نافع است
 یا جواد یا ماجد یا رحیم یا قریب یا باثر یا ارحم صل علی محمد
 و آل محمد و ارزد علی و اکتفی شتر و جمعی اینها بر هفت پا رجه
 کاغذ بنویسد و هر روز ناسنای بخورد و هر باره در موم
 کاغذی گرفته بلع نماید (ط ۱۱ ص ۱۱ ط) از خضر و ضا این
 دعا جهه بواسیر من کور است هلیله سبها و لیله و املا
 مساری بگویند و از حور پرین کنند و قدری عسل ازرق
 گرفته در آب حل کنند و بجوشانند و این دوا را در آب حل
 کرده و در سایه خشک کنند و دست را چرب کرده آن را بر
 عدس زانه کرده بنفشه بکمال بخورد و در آید و خورد

و غیر اینست
 باشد سینه
 باز در جهه
 شفاست
 هلیله و بر
 افکند و در
 که کند طای
 نما یی بختی
 ایضا من کور
 است از خضر
 صادق که یی
 بوی جهنم
 فدر شیند
 آب سرد و
 حدیث دیکر
 است برای

از ماهی و سرکه از نماید طبا از برای بواسیر شفاف
 معده و اسهال نافع شمرده اند این ضماد را سفیداب و مر
 سفید حنظل و یکی از هر یک یکجز و کل خطمی و متل هر یک
 در جرد و روغن چهار جز و باز زده تخم و پیپه بر سر جرد استفا
 نماید ایضا کجند اکوبیده بار و روغن کل با بونه و اکلیل
 الملک تخم کتان عدس منشر همه را بجنه باز زده تخم مرغ و روغن
 بنفشه استعمال نمایند و روغن زنجبیل و روغن و در
 بواسیر نفایده نافعست و اگر از حرارت باشد و زنجبیل با پیپه بر
 کوبیده در آب بجوشانند نامهر شود و روغن که بعد از
 سرد شدن بسنه میشود بر دارند اگر نهاله باد بخان و
 ساینده اضافه کنند ایضا جهه عرق النساء فرمودند هرگاه
 ترش ظاهر شود دست بر آن موضع گذار و بگویم الله و
 یا الله عوذ یا سم الله لکبر و عوذ یا الله العظیم من شر کل ع
 تعار و من شر حوائر النار و در طبی الا نمه من کور است که فلا
 ناخن را از کسبکه عرق النساء در گرفته بر آن موضع نهند از
 جهه و اما ندکی در راه و یاد کرد اعضا اینها را بنویسد
 و بر پا روی راست بنفشه بسمه عظیم علیکم یا ارحم الراحمین
 و الجوسینه عظیم علیکم یا ارحم الراحمین و الهویه عظیم
 علیکم یا ارحم الراحمین و المؤمنین و المؤمنات عظیم علیکم یا مع
 الجن و الا انس ان استطعتم ان تغذوا من افطار السموات

و غیر اینست
 باشد سینه
 باز در جهه
 شفاست
 هلیله و بر
 افکند و در
 که کند طای
 نما یی بختی
 ایضا من کور
 است از خضر
 صادق که یی
 بوی جهنم
 فدر شیند
 آب سرد و
 حدیث دیکر
 است برای

ایضا بخواند یا حی یا قیوم لا اله الا انت سبحانک انی
 من الظالمین یا ایة الکرسی جهة سوختگی ابدان بر برادر
 بنویسد افرایم النار التي توردن انتم انشاءتم شجرها ام
 المتشئون نحن جلناها نذکرة ومانعا للمقوبین و در میان
 گذارد تا خشک شود پس آن را بار و غن سوخته امیخته نماید
 بر و دی شفا یابد دفع حرقه آتش هر که این حور فراد و چهار
 ماه بنویسد و در دیوار خانه محکم نماید آن خانه از سوختن و
 دزدان در امان باشد و نیز صاحب علم و فن گفته اند هر
 کس این چوبی ^{چوبی} نقش کند یا بنویسد و در آتش اندازد آتش فرو نشیند
 و اگر جای آتش گرفته باشد در اینجا اندازند خاموش شود
 آهسته حفش ضربه باد اگر غبار و باد ظلمت در هوا پیدا شود
 مکر این آیه را بخوان زایل شود چتر و صحر و چتر دریا لاند
 الا بصا و هوید و الا بصا و هو اللطیف الخیر و وقت زلزله
 باد ها نیز معوذتین و سوره فیل را بخواند مکر و شد که هوید
 کشته قطع باران چهل و یک بنویسد و بقبله بپا و بر زدن
 شود ایضا و وقت ملا باران بگوید صبا هنیئا منقو لستیک
 در سفری باران عظیمی گرفت اهل قافله عاجز شد قد حضرت رضا
 همراه بود نوشتند با جناب شد قد حضرت فرمود انا ابن سول
 فکف عنا المطر باران ایستاد ایضا ابن طاووس این غار را چهل
 قطع باران نفل کرده اللهم هذا المطر نزلہ لمصلحة العباد

دوشنبه اول در
در مسجد و قطونا
بجورد شفا یابد
ایضا جمله سیام
و ذات الحجب
عقاب مفضیه
است در حجب
که فضیلت قناب
برینا بر موهها
مثل فضیلت
ما میا شد
بر سار موهها
ایضا در موهها
که عتاب ناخوش
ذات الحجب

ما یحنا جونا لیه من عمارۃ البلاد و هو کالعبد عند مناد
مصلحتنا و نحن الآن سافرا بامرک و اجبنا لاحتناک و برک
فلا تسلط علینا ما هو کالعبد عندنا ان یضربنا و اجونا بالاحتنا
و الرعاۃ الربانینہ و احوزا المطر علی عوائد العبودیۃ و صرفه
عنا الی الموضع النافض لعیادک و عمارۃ بلادک و ارجو
الرحمن بجمہ امک بازان بر درخت و بن دجار و الامطار من غما
الرحمن و سحاب الکرم و انزلنا السماء علیکم مدرارا و یمنکم
باموال و بنین و یجعل لکم جنات و یجعل لکم انهارا و یأخی
باصحاب جنوج و ان یفرش و یزجرکم سحاب غفران بفرش
از بفرش نشئه طفلانیاث از ذایۃ ابرشربازان بفرش
و کفر اند هفت جمل ز برطاس من مرغی حبس کند باعث آمدن
بازان و برودت گردد دعا شیخ بند هر که روز چهارشنبه
اخو ما و فت عزوب بافتاب بپکفر ذاب ایشانده بنویسد یا
خود دارد بفرشفتنک برادر کار نکند و تسبیح کرد تسبیح الله
الرحمن الرحیم طوط و لدان اربعون اربعون محکم مشطط طوط
عوفون و درختی د پکریدن شرط این است بعد بسم الله
واللهون والدان اربعون البسئون مشطط طوط الله علی
کل شیء قد بر و صلی الله علی محمد خیر خلقه و الله اعلم و قد
خبر و کسوف بنویسد بشرط مفلوج بودن حروف و فات اللهون
الدان اربعون اربعون و باز وی چپ بنده ایضا است

و سنا مری
بر کوفت می کنند
تو ایستاده
دریده من
منان بود
چیزی نمی دانی
حضرت امیر
در بنحو ای
دیدم فطو
غنا ای محبوب
و بر دیده
سایه چون
بیند و شدم
غنا ای ربا
هستار نامه

ایضا بخواند یا حی یا قیوم لا اله الا انت سبحانک انی کمد
 من الظالمین یا اینه الکرسی جهنم سوختگی ابدان بر برک مورد
 بنویسد افرایم النار التي توردن و انتم انشأتم شجرها ام نحن
 المنشئون نحن جعلناها تذکرة و مناعا للمقوین و در صافی
 کذا رد فاحشک شود پس آن را بار و غن سوخته امیخته نمایند
 بر و دی شفا یا بد دفع حرفت اش هر کجا بن حور فراد و جها ردیم
 ماه بنویسد و در دوا رخانه حکم نماید آنخانه از سوختن و
 دزدان در امان باشد و نیز صالحا علم و فن گفته اند هر که
 این چوبی ^{بهر} نشر کند یا بنویسد و در انشاند از دانه فرزند نشیند
 و اگر جانی اش گرفته باشد در آنجا اندازند خاموش شود
 اهرط حفش ضربه باد اگر غبار و باد ظلمت در هوا پیدا شود
 مکر این آیه را بخوان زایل شود چتر و صحر و بیچتر دریا لاند که
 الابصار و هوید و ان الابصار و هو اللطیف الخیر تدفون و زید
 باد ها نیز معوذتین و سورۃ فیل را بخواند مکر ریشد که هو
 کشته قطع باران چهل و یک بنویسد و بقیله بیار و برز قطع
 شود ایضا و رفتن مل باران بگوید صبا هنیئا منقوستکه
 در سفری باران عظیمی گرفت اهل خانه عاجز شدند حضرت رضا
 همراه بود نوشتند با جناب شدند حضرت فرمود انا ابن سول الله
 فکف عنا المطر باران ایستاد ایضا ابن طاووس میث غار اجهنم
 قطع باران نقل کرده اللهم هذا المطر نزلہ لمصلحة العباد

در شب و در روز
در صبح و در غروب
خجور و شفا یابد
ایضا جمله سحر
و ذات الهی
عقاب مضیه
است در جبین
که فضیلت قناب
برینا بر مویها
مثل فضیلت
ما میا شد
بر مویها
ایضا در مویها
که عقاب نایاب
ذات الهی

ما یحنا جونا لبه من عماره البلاد وهو کالعبد خد مشا
مصلحتنا ونحن الآن سافرا بامرک واجهین لاحسانک وبرک
فلا تسلط علینا ما هو کالعبد عندنا ان یضربنا و اجونا بالافیه
والرعایه الربانیة واحوزا المطوعی عواذ العبودیه واصرفه
عنا الی المواضع النافسه لعبادک و عماره بلادک یا رحیم
الرحمن جهه امدنا وان بر درختا و بر دجارا الامطار من غما
الرحمن و سحاب الکرم و انزلنا السماء علیک ممدرا و یمدکم
باموال و بنین و یجعل لکم جنات و یجعل لکم انهارا و یباعی
یا رب سبب جو جوان بفرست و زجر کرم سحاب غفران بفرست
از بهر لب نشسته طفلانیاث از ذایه ابرشرباران بفرست
و کفنه اند هفت جمل زهر طاسر مرخی جبر کند باعش آمدن
باران و پرو دشت گردد دغا تیغ بند هر که روز چهارشنبه
اخوانه و فک ترویا فتاب بیکفتر زاب ایستاده بنویسد یا
منور دارد نیر و نفعک برار کار نکند و تسبیح کرد بسم الله
الرحمن الرحیم و طو و لدان اربعون اربعون بسم الله
عوفون و درختی د پکر بدن شرط این است بعد بسمه
واللهون والدان اربعون البسئون مشططا و استه علی
کل شی قد بر صلی الله علی محمد خیر خلفه و اله اجمعین و در وقت
خسوف و کسوف بنویسد بشرط مملوج بودن حروف ثانی اللهون
الدان اربعون اربعون و باز وی چپ بنده ایستادن

و سنا من
بهر کف می کند
ایو آسمان
دریده من
شدن بود
چیزی نمی آید
حضرت امیر
در غایت
دیدم نسو
غنا به کباب
و بر دیده
کران چون
بیله رشدم
غنا به رابا
هستند اینها

[illegible]

و
الام
در
ص
ک
د
ر
و

و
بگو
مکن
که از افسه
محفوظ ماند
از کوه و دریا
خجستان و دین
ایران نبوی
در میان شاعر
بگزار
من بین آید
مسلم و من خلفه
سند فاعشیا
هم فهم لایطون
لما نقصنا
حفظ الله
فان تقولوا

عصا له لا اجكاسه درمكاله هه كل
از جهه در چشم در خواص الايات آورده كه هر
صبح سه نوبت بر چشم خواند در ذيل كرد بسم الله
الرحمن الرحيم دخل الرمد بسلامه ويخرج بسلامه الله
الدمعه وانجلت العبرة بالحرف بالالف لاهول ولا قوة الا
بالله العلي العظيم الله نور السموات والارض الى نور
على نور و از حضرت امير مفلوك كه هرگاه چشم كس
از رده شود با اعتقاد درست ايه الكرسي خواند البته شفا
يابد و حضرت رسول براي در چشم اين دعا سيفرود
بخوانيد اللهم متعني ببصري واجعلها للوارثين
متى وانصرني على من ظلمني و ارفني فيه ثاري وصل على محمد
اهل بيته الطاهرين و سلم تسليمكثيرا از حضرت امير
مفلوك كه براي دفع وبا و طاعون باب دشوميد
و بصاحب وبا و طاعون داده بخورد صحت
يابد بجهه دفع خصم چون در برابر دشمن
داگر ايد اين دايره همراهه داشنه باشد دشمن
دوست وي شده كه مهرباني نمايد و خواص
جنة الاسماء زياد است خصوص براي بار
طاعون بشرطيكه بارضو و باركت باله
شود و در صفحه اينده كه نوشنه شده دايره جنة

فَقَدْ كَسَى
حَسْبِيَ اللَّهُ
عَلَى إِلَهٍ
مُؤْتَكِلٍ
تَوَكَّلْتُ
مُؤْتَكِلًا
الْعَظِيمِ
تَمَامُ
تَبَوُّقِ
حَاشِيَةِ
الذَّوْعَانِ
بِدَلَّةِ
وَالْعَظَامِ
مُحَلِّ عَلَى
مِلَّةٍ
خَفِيَّةٍ
مُفْتَلِحَةٍ

انظر في اقامه
 زين العابدين
 وروايت شمله
 كملكه من
 ابن دعا
 بنو امير
 حق وان
 من من
 شوقه
 افق
 وابن
 صلاح
 شمله
 من
 والي

١٢
 ١٢

١٩

١٩

١٩

١٩

١٩

ريال



